

ادعیه کمکی از صحیفه (تفسیر دعا به دعا)	دعا برای حفظ همسایه از شر شیطان: ﴿10﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْ آبَاءَنَا وَآمَهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا وَأَهْلِيْنَا وَذَوَى أَرْحَامِنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ جِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي حِرْزِ حَارِزٍ ، وَ حِصْنِ حَافِظٍ ، وَ كَهْفٍ مَانِعٍ ، وَ أَلْبَسَهُمْ مِنْهُ جُنَّةً وَاقِيَةً ، وَ أَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً (دعای 17 – دعای استعاذه از شیطان) (10) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و پدران و مادران و فرزندان و اهل ما و خویشان و نزدیکان و همسایگانمان از مردان مؤمن و زنان مؤمنه، از وجود خطرناکی چون شیطان در جایگاهی محکم و دژی حفظ کننده و پناهگاهی بازدارنده قرار ده؛ و آنان را برای دفع زیان او، زره‌های نگاه دارنده بپوشان؛ و به ایشان اسلحه‌های برنده بر ضد او عطا کن . +
دعای غیر صحیفه	دعای توفیق همسایه داری ویژه در ماه رمضان: ﴿10﴾ وَ وَقَفْنَا فِيهِ لِأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَ الصَّلَةِ ، وَ أَنْ نَتَعَاهَدَ جِيرَانِنَا بِالْإِفْضَالِ وَ الْعَطِيَّةِ ، وَ أَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبَعَاتِ ، وَ أَنْ نَطْهَرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ ، وَ أَنْ نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا ، وَ أَنْ نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنَا ، وَ أَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَى مَنْ عُدِي فَيْكَ وَ لَكَ ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ ، وَ الْحِزْبُ الَّذِي لَا نُصَافِيهِ . (دعای 44 – دعای ورود به ماه رمضان) (10) و ما را در این ماه توفیق ده که با خویشاوندان خود، با نیکی و صلۀ رحم ارتباط پیدا کنی؛ و با احسان و بخشش، به همسایگان خود رسیدگی نماییم و اموال خود را از آنچه به ستم گرفته‌ایم، پاک کنیم و با بیرون کردن زکات، ثروت و مال خود را در مدار پاکی قرار دهیم؛ و با کسی که با ما رابطه‌اش را بریده، آشتی نموده؛ و با آن که به ما ستم روا داشته، به عدالت و انصاف معامله کنیم؛ و با شخصی که با ما دشمنی کرده، از در مسالمت در آییم؛ مگر کسی که در راه تو و به خاطر تو با او دشمنی شده باشد؛ همانا او دشمنی است که با او دوستی نکنیم و حزبی است که به او دست صداقت ندهیم .
احادیث	امیرالمؤمنین: اللَّهُ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَأَنْتَهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ، مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورِثُهُمْ. (نهج البلاغه: نامه 47) خدا را خدا را، در رابطه با همسایگان که مورد سفارش پیامبر شماسست، پیوسته به آنان سفارش داشت تا جایی که گمان بردیم میراث برشان خواهد ساخت! +

امام صادق: «حَسَنُ الْجَوَارِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ». (الكافي: 2/ 666، حدیث 3)

خوب همسایه داری روزی را زیاد می‌کند.

+

در روایت است که حضرت زهرا علیها السلام از بعضی از امور نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شکایت برد، حضرت جزوه‌ای به او مرحمت فرمود و به او گفت: «آنچه در آن است به آن توجه کن. در آن این سه جمله ثبت بود:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُوْذَى جَارُهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ،
وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لَيْسَ كُنْتُ». (الكافي: 2/ 667، حدیث 6)

هر کس ایمان به خدا و روز قیامت دارد، همسایه‌اش را نیازارد، و هر کس ایمان به خدا و قیامت دارد مهمانش را گرامی بدارد، و هر کس ایمان به خدا و روز جزا دارد خیر بگوید ورنه ساکت شود.

+

از ابن مسعود روایت شده است که: مردی به خدمت حضرت فاطمه زهرا(س) شرفیاب شد و عرض کرد: ای دختر رسول خدا! آیا از پدرتان نزد شما چیزی باقی است؟ آن بانوی مکرم فرمود: ای کنیزک! آن چوب تر را برایم بیاور. او هم پس از تفحص بسیار، آن را یافت و به حضرت زهرا(س) تحویل داد که در آن نوشته شده بود:

رسول خدا(ص) فرمود: کسی که همسایه از دست او در امان نباشد، ایمان ندارد و کسی که به خدا و روز قیامت یقین دارد، به همسایه آزار نمی‌رساند. (سفینه البحار، ج 1، حدیث فاطمه زهرا(س)).

+

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند: «به من ایمان نیاورده است کسی که جامه ای داشته باشد و همسایه اش از آن محروم باشد. (الحیاء، ج 1، ص 237).

+

امام سجّاد ع: «اگر فردی بیش از نیاز خود پوشاک داشته باشد و بداند کسانی در همسایگی او هستند که به آن نیاز دارند و به آنان ندهد، خداوند وی را در آتش جهنم خواهد افکند. (مجموعه ورام، ج 2، ص 47). +	
حق همسایه در رساله حقوق امام سجّاد (علیه السلام): در وقتی که غایب است حقوق او را از هر جهت حفظ کنی؛ وقتی که حاضر است احترامش نمائی؛ اگر به او ظلم و ستمی شد به یاریش برخیزی؛ چه حاضر باشد چه غایب از کمک به او دریغ نورزی، در جستجوی عیب‌ها و بدی‌های او نباشی. اگر به چیزی از عیب‌های او بدون این که اراده داشته باشی و بخواهی بفهمی پی بردی، در مورد دانسته‌های خودت نسبت به معایب او بسیار راز نگهدار و پرده پوش باشی. از طریقی که او بی خبر است مراقب گفته‌های او در خانه‌اش مباش و به عبارت دیگر استراق سمع نسبت به او نداشته باش. اگر به کارهای زشتی از او آگاه شدی، رازش را بر ملا مساز و چنانکه می‌دانی که تذکر تو را خواهد پذیرفت، تنها میانه خودتان مطالب لازم را از روی خیرخواهی با او در میان بگذار. هنگام سختی‌ها او را تنها نگذاری، در برابر نعمت هائی که دارد بر او حسد نبری، از لغزش‌های او درگذری و با او سخت نگیری، تقصیر او را نادیده بگیری و بدی او را ببخشی، وقتی مورد ستم قرار می‌گیرد او را یاری دهی، اگر از روی نادانی رفتار نامناسبی هم از او دیدی از جا در نروی، و نیز زبان ملامتگران و ناسزاگویان را از او بازداری، نقشه‌های مکارانه را بی اثر سازی و رفتاری بزرگوارانه با او داشته باشی، و در این کارها بایستی از خدا کمک بگیری.	
- سیره حضرت زهرا در دعا برای همسایه ها « الجار ثم الدار » - سیره امامان در شهر محل سکونت در رسیدگی به فقرا و نیازمندان شهرد (که بخشی از آنان در دائره همسایگی قرار می گرفتند).	از سیره اهل بیت
حکایت جعفر در حبشه و توصیف جاهلیت/اسلام از منظر حق همسایه: جعفر بن ابی طالب - که همراه عده ای از اصحاب رسول اکرم(ص) به سرزمین حبشه مهاجرت نمود تا از یک سو به تبلیغات دینی پرداخته و از طرف دیگر برای مدتی از فشارهای مشرکان	حکایات

مکه در امان باشند - به عنوان سخنگو و سرپرست این جمع در برابر پادشاه حبشه، بدون هیچ گونه نگرانی گفت: من آنچه را از رسول خدا(ص) شنیده ام بدون کم و کاست، خواهم گفت. نجاشی به وی گفت: چرا از آیین نیاکان خود دست برداشته و به آیین جدید، که نه با دین ما و نه با دین اجداد شما تطبیق می کند، گرویده اید؟ او در پاسخ گفت: ما گروهی نادان و بت پرست بودیم. از مردار اجتناب نمی کردیم. پیوسته گرد کارهای خلاف و منکر بودیم. همسایه نزد ما از هرگونه احترامی محروم بود. ضعیف، محکوم زورمندان گشته بود. با خویشاوندان خویش به جنگ برخاسته بودیم. روزگاری به این منوال بودیم تا این که یک نفر از میان ما، که سابقه درخشانی در پاکی و درستی داشت، برخاست و به فرمان خداوند، ما را به توحید فرا خواند و دستور داد در امانت کوشیده، از ناپاکی ها اجتناب ورزیم و با خویشاوندان و همسایگان خوش رفتاری کنیم.	
--	--

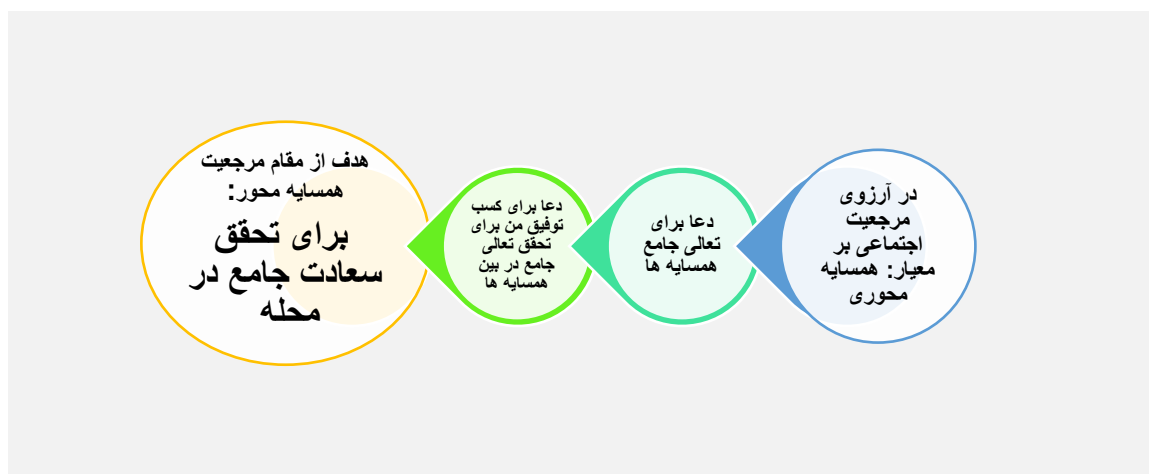
متن کامل دعای 25 صحیفه :

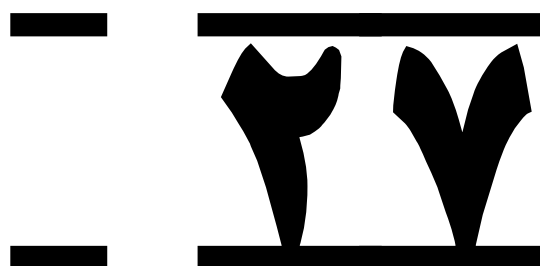
نظر به اهمیت موضوع همسایه در فرهنگ اسلامی و امکان شبکه سازی اجتماعی بر محور همسایه ها، دعای 25 صحیفه سجادیه متمرکز بر موضوع همسایه است. ددر جدول زیر متن دعا در قالب بندهای تقطیع شده، ترجمه و موضوعات هر بند. ارائه می گردد تا بر اساس آن هم نظام موضوعات دعا و سیر و چیدمان موضوعات دعا دانسته شود:

دعای ش 25 صحیفه			
دعای برای : پدر و مادر			
ش	دعا	ترجمه	موضوع
1	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ تَوَلَّنِي فِي جِبْرَانِي وَ مَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا ، وَ الْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَا يَتَكَ .	خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و سرپرستی مرا، درباره همسایگان و دوستانم که به حق ما آگاه و با دشمنان ما در مخالفت و ستیزند، به برترین سرپرستی ات به عهده گیر.	دعای مرجعیت یافتن در محله به ویژه برای همسایه های شیعه و مومن (سرآمد همگان و حتی شیعیان بودن!!).
2	و وَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ ، وَ عِيَادَةِ	و آنان را به این امور موفق دار: برپا داشتن روش و طریقهات، فراگرفتن زیندگی کمالات و صفات برازندهات برای سود	جامعترین دعایی که برای همسایگان می توان داشت:

تعالی و رشد جامع همسایه ها	رساندن به ناتوانشان، جبران کردن تنگدستی‌شان، عیادت بیمارشان، هدایت کردن مسافرشان، خیرخواهی مشورت‌کنندگانشان و به عهده گرفتن امور واردین بر آنان، پنهان داشتن اسرارشان، پوشاندن عیوبشان، یاری دادن به ستم‌دیده‌هایشان و نیکو کمک کردن به آنان در مایحتاج زندگیشان، احسان به ایشان با مال و ثروت و بخشش فراوان، عطا کردن آنچه برای آنان لازم است پیش از درخواستشان.	مَرِيضِهِمْ ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَزْشِدِهِمْ ، وَمُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ ، وَ كِتْلَامَانِ أَسْرَارِهِمْ ، وَ سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ ، وَ نُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ ، وَ حُسْنِ مُوَأَسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ ، وَ الْعُودِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ وَ الْإِفْضَالِ ، وَ إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ
جامعترین دعا برای ایفای حقوق همسایگی توسط من (تا به بهترین سرمایه های اجتماعی در محله تبدیل شوند)	خدایا! مرا چنان قرار ده که بدکارشان را به نیکی و خوبی پاداش دهم و از ستمکارشان با گذشت و چشم‌پوشی روی گردان شوم، درباره همهٔ آنان خوش‌گمانی را به کار گیرم، همهٔ آنان را با نیکوکاری سرپرستی کنم، عفیفانه چشم از خطایشان بپوشم، فروتنانه با آنان نرم باشم، مهربانانه بر بلادیدهٔ آنان رقت آورم، در پنهان دوستی خود را بر آنان ظاهر سازم، خیرخواهانه دوام نعمتشان را بخواهم؛ آنچه برای اقوام خود لازم می‌دانم؛ برای آنان لازم بدانم، آنچه برای مخصوصان خود رعایت می‌کنم، برای آنان رعایت کنم.	3 وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزَى بِالْإِحْسَانِ مُسِيئَتِهِمْ ، وَ أَعْرَضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ ، وَ اسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَتِهِمْ ، وَ اتَوَلَّى بِالْبِرِّ عَامَّتِهِمْ ، وَ اغْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عَقَّةً ، وَ أَلِنْ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضُعًا ، وَ أَرْقُ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً ، وَ أَسِرْ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً ، وَ أَحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نَصْحًا ، وَ أَوْجِبْ لَهُمْ مَا أَوْجِبُ لِحَامَتِي ، وَ أُرْعَى لَهُمْ مَا أُرْعَى لِخَاصَّتِي .
جمع بندی: تاکید بر رسیدن به مقام مرجعیت برای همسایه ها تا با راهبری انها توان به جامعه معیار رسید.	خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا هم از سوی ایشان، رفتاری به همین صورت نصیب کن؛ و کامل‌ترین بهره‌هایی که نزد ایشان است، برای من قرار ده؛ و بصیرتشان را در حق من و معرفتشان را به فضل من افزون کن تا به خاطر من نیک‌بخت شوند و من نیز به خاطر آنان نیک‌بخت شوم؛ پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب کن	4 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ ارْزُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ ، وَ اجْعَلْ لِي أَوْفَى الْحُظُوظِ فِيمَا عِنْدَهُمْ ، وَ زِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي ، وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِي حَتَّى يَسْعَدُوا بِي وَ أَسْعِدَ بِهِمْ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

گاه های مرجعیت یافتن در بین همسایه ها بر اساس این دعا:





نقش آفرینی اجتماعی

«تجلی رحمت اجتماعی»

ش 27		
موضوع	متن	
موضوع	در جستجوی بالاترین نقش آفرینی اجتماعی مظهر رحمت الهی شدن در جامعه، برای کسب بالاترین رحمت	
متن دعا	﴿10﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّنِي، بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَضَمِّ أَهْلِ الْفِرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَسِتْرِ الْعَائِبَةِ، وَلَيْنِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَسُكُونِ الرِّيحِ، وَطِيبِ الْمَخَالَفَةِ، وَالسَّيْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ التَّفَضُّلِ، وَتَرْكِ التَّعْيِيرِ، وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ، وَاسْتِقْلَالِ الْخَيْرِ وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَاسْتِكْنَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي، وَاكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَلُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَاسْتَعْمِلِ الرَّأْيَ الْمُخْتَرَعَ.	
آدرس	دعای 20 = دعای مکارم الاخلاق	
ترجمه	(10) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به زیور شایستگان بیاری و زینت پرهیزکاران را به من ببوشان که زیور و زینت شایستگان و پرهیزکاران در این امور است: گسترش عدالت، فروخوردن خشم، خاموش کردن آتش فتنه، جمع کردن پراکنده شدگان، اصلاح بین مردم، آشکار کردن کارهای خوب مردم، پوشاندن عیوب انسان‌ها، نرم‌خویی، فروتنی، خوش‌رفتاری، آرامش، وقار، خوش‌اخلاقی، پیشی گرفتن به سوی فضیلت، انتخاب نیکی و احسان، ترک سرزنش، خوبی کردن به غیر مستحق، حق‌گویی گرچه سنگین باشد، اندک شمردن گفتار و کردار خوبم، هر چند زیاد باشد؛ و زیاد شمردن گفتار و رفتار بدم، هر چند اندک باشد؛ و همه این امور را به دوام اطاعت از حضرتت و همراهی با مسلمانان و دست برداشتن از اهل بدعت و آنان که رأی ساختگی در دین را به کار می‌گیرند، کامل کن.	
آنالیز و گراف: جملات دعا	سیر فرایندی دعا	نکات
	، وَحَلِّنِي، بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي:	هدف اصلی دعا: قرار گرفتن در زمره صالحین و متقین از رهیافت رفتارهای اجتماعی
	بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ،	رفتارهای اجتماعی 17 گانه برای وارد شدن به گروه متقین:

گسترش عدالت، فرو خوردن خشم، خاموش کردن آتش فتنه، جمع کردن پراکنده شدگان، اصلاح بین مردم، آشکار کردن کارهای خوب مردم، پوشاندن عیوب انسان‌ها، نرم‌خویی، فروتنی، خوش‌رفتاری، آرامش، وقار، خوش‌اخلاقی، پیشی گرفتن به سوی فضیلت، انتخاب نیکی و احسان، ترک سرزنش، خوبی کردن به غیر مستحق، حق‌گویی گرچه سنگین باشد	وَ ضَمَّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ ، وَ إِصْلَاحَ ذَاتِ الْبَيْنِ ، وَ إِفْشَاءَ الْعَارِفَةِ ، وَ سَتْرَ الْعَائِبَةِ ، وَ لَيْنَ الْعَرِيكَةِ ، وَ خَفْضَ الْجَنَاحِ ، وَ حُسْنَ السَّيْرِ ، وَ سُكُونَ الرِّيحِ ، وَ طَيْبَ الْمَخَالَقَةِ ، وَ السَّبْقَ إِلَى الْفَضِيلَةِ ، وَ إِثَارَ التَّفَضُّلِ ، وَ تَرْكَ التَّعْيِيرِ ، وَ الْإِفْضَالَ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ ، وَ الْقَوْلَ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ ؛	
دو رفتار ثانوی متضاد ناظر به دو عملکرد پیشین صادر شده در قالب خیر یا شر: ، اندک شمردن گفتار و کردار خوبم، هر چند زیاد باشد؛ و زیاد شمردن گفتار و رفتار بدم، هر چند اندک باشد؛	وَ اسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي وَ اسْتِكْثَارَ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي ،	
بیمه و ضمانت پیوسته در همه رفتارها و حالات	وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ ،	
و داشتن شاخص اجتماعی: ثبات بر گروه معیار و دوری از جریان‌های انحرافی	وَ لُزُومَ الْجَمَاعَةِ ، وَ رَفْضَ أَهْلِ الْبِدْعِ ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ	

گونه شناسی رفتارها ی اجتماعی در این دعا	وظیفه اجتماعی اولیه = یعنی آنچه ابتداءً و بالذات در برابر جامعه وظیفه دارم از عدالت ورزی و خوش ... وظیفه اجتماعی ثانویه = یعنی آنچه در مواجهه با رفتارهای دیگران ، شایسته است من انجام دهم وظیفه مداخله اجتماعی = یعنی در مقام اصلاح و بهبود روابط فیما بین دیگران آنچه باید انجام داد. پیش شرط حضور اجتماعی = یعنی آنچه در رابطه با دیگران باید پیوسته نصب العین من باشد.
نکته	همانندی این بخش از دعا، با خطبه هایی که اوصاف دینداران یا مومنان را بر می شمارد مانند خطبه متقین در نهج البلاغه
دعای تکمیلی	دعای 38 صحیفه سجادیه: دعایی کوتاه و در مقام عذرخواهی از خدا در مقام «ترک فعل» اجتماعی (از جهت پاکسازی سازی ذمه از زوایه حق الله این ترک فعل) است: «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِذَارِ مِنْ تَبِعَاتِ الْعِبَادِ وَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي حُقُوقِهِمْ وَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ»: ﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ ، وَ مِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدَيْ إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ ، وَ مِنْ مُسِيءٍ أَعْتَذَرُ إِلَيَّ فَلَمْ أَعْذِرْهُ ، وَ مِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أَوْثِرْهُ ، وَ مِنْ حَقٍّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أَوْقِرْهُ ، وَ مِنْ عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَسْتُرْهُ ، وَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجُرْهُ .﴾ (1) خدایا! از تو پوزش می خواهم درباره ستم دیده ای که در حضور من به او ستم شد و من یاریش ندادم؛ و از احسانی که نسبت به من شده و سپاسش را به جا نیاوردم؛ و از بد کننده ای که از من پوزش خواسته و من پوزش او را نپذیرفتم؛ و از نیازمندی که از من درخواست کرده و من او را بر خود برتری ندادم؛ و از حق مؤمن صاحب حقی که بر عهده ام بوده و آن را نپرداختم؛ و از عیب مؤمنی که برای من آشکار شده و آن را نپوشانده ام؛ و از هر گناهی که برایم پیش آمده و از آن دوری نکردم .

درخشش در جامعه با خوبی ها درخشش در جامعه با خیرات ایجاد حال خوش انسانی ، با سعی و تلاش حداکثری و خیر رسانی حداکثری	کلمات مرتبط
آدمی ناچار به زندگی اجتماعی است، در این اجتماعی زیستی، نسبت به دیگران و جامعه بهترین نقش چیست؟ بی تفاوتی، یا بهره گیری یکسویه، یا مسئولیت پذیری!!! کدام در فرهنگ دینی سفارش شده است؟ دامنه جامعه پذیری و جامعه گرایی و مسئولیت اجتماعی پذیرفتن، تا کجاست؟ و با چه هدفی باید صورت بگیرد؟ نقش آفرینی اجتماعی، چه نسبتی با تعالی و کمال من خواهد داشت؟ و بلکه چه نسبتی با نزول رحمت الهی بر من خواهد داشت؟	پرسش
معرفی مسئولیت پذیری و نقش پذیری اجتماعی به عنوان، مهمترین رسالت یک انسان دیندار، در اوج بالندگی و نشاط زندگی. و تبیین این نقش در شمول بالاترین درجه رحمت و مغفرت برای آدمی	هدف
زندگی اجتماعی از ضرورت های حیات انسانی است. و طبیعتاً حضور و در جامعه و ایجاد روابط اجتماعی ، پیش نیاز رفع نیازهای انسانی است. ولی آیا جامعه فقط برای رفع نیازهای من است تا جامعه هم مانند طبیعت در خدمت من باشد و برای من باشد؟! در مقام پاسخ به این پرسش باید دانست که ، کمک گرفتن از جامعه برای تامین «نیازهای اولیه» و غریزی و طبیعی آدمی است. (یعنی خوراک و پوشاک و مسکن). این در حالی است که نیازهای ادمی به این موارد منحصر نمی شود. بلکه او نیازهای عالی انسانی و نیازهای معنوی متعالی هم دارد. و اصولاً انسانیت انسان به واسطه میزان توجه به نیازهای عالی و متعالی اوست. بخشی از این نیازهای عالی، نیاز به رشد و تکامل اجتماعی در قالب نقش آفرینی اجتماعی است. تا بر بستر این نقش آفرینی بتدریج در جامعه اسم و رسمی بیابد و بر محور این اسم و رسم، هم خدمتی کرده و به حسّ انسانی خدمتگزاری خود پاسخی داده باشد و هم حسّ درونی نیاز به شهرت و محبوبیت را هم پاسخ داده باشد.	انگیزه سازی
شخصیت اجتماعی یکی از ابعاد شخصیتی انسانی است. و معنی آن این است که برای رسیدن به کمال و تعالی و سعادت جامع، باید به شخصیت اجتماعی هم توجه داشت. یعنی در فرایند رشد طبیعی بدن/فطرت، آدمی ابتدا متوجه رشد جسمی است و سپس رشد فکری و رشد علمی و رشد مهارتی و رشد اخلاقی و رشد جنسی و و رشد شغلی و اقتصادی و ...، و در نهایت پس از افتادن پیکره زندگی فردی و خانوادگی روی دور، باید وارد گود زندگی اجتماعی و سئولیت پذیری اجتماعی شود.	متقاعد سازی و اقناع

در این مرحله او ابتدا سعی می کند مبتنی بر شخصیت ایمانی و علمی و مهارتی و ... در جستجوی بهترین جایگاه و مرتبه اجتماعی باشد. تا حضورش در جامعه حداقلی و یا موقت یا محدود و یا سطحی و یا تقلیدی و تبعی نباشد. او نباید در مقام یک «مؤمن قوی و زرنگ و متخصص و اخلاقمدار» انسانی منفعل یا سطحی و یا مسئولیت پذیر در نقش های حداقلی باشد. بلکه بر معیار رشد جامعی که ابعاد شخصیتی خود داده است، بتواند بهترین جایگاه و سرمایه اجتماعی را برای خود ایجاد کند.. و آنگاه بر اساس این سرمایه اجتماعی که بر بستر حضور و نقش آفرینی تدریجی، گام به گام توسعه کمی و کیفی می یابد، در جستجوی «افضل الاعمال احمضها» باشد. چرا؟ چون هر چه مسئولیت بیشتر و بزرگتر و پیچیده تر و تخصصی تر و مهمتر و ... باشد؛ درگیر شدن و اجرا نمودن آن، زمینه رشد فوق تخصصی آدمی را موجب می شود. و به میزانی که شعاع و وسعت این عمل توسعه یابد، بازتاب دعای خیر آن، زمینه نزول رحمت و مغفرت تخصصی را برای آدمی فراهم می سازد. با این نگاه، مغفرت جوئی و رحمت خواهی از خدا در قالب توبه و یا عبادت ها و یا رفتارهای ساده خانوادگی و اجتماعی، در حقیقت مصداق بارز تنبلی در رحمت طلبی و اکتفای به حداقل هاست. و بالاترین درجه رحمت وقتی است که ما در بالاترین درجه خیر و برکت اجتماعی باشیم. چرا؟! چون رحمت و برکت و خیر الهی که فقط منحصر به من نیست، بلکه رحمت رحمانیه او، شامل همه می شود. و به هر میزان ، انسان مومن نقش آفرینی اجتماعی بپذیرد، در حقیقت ، مظهر و تجلی و واسطه رحمت رحمانیه الهی برای دیگران شده است. و در این صورت نه این که رحمت رحمانیه خودش توسعه یابد، بلکه رحمت الهی برای او ارتقای ماهیت داده و او را وارد در رحمت خاصه ، یعنی رحمت رحیمیه می کند. پس تنها با «نقش پذیری اجتماعی مؤمنانه» است که هر انسانی می تواند بالاترین درجه رحمت خاص الهی را شامل حال خود کند. چون او در این نقش آفرینی ، در حقیقت کار خدائی می کند و واسطه خیر یا نجات دیگران شده است.	
در مدینه النبی، پیامبر پس از بنای مسجد النبی، و پس از ازدواج اهل بیت، دستور «سدّ الابواب» داد. چون تنها خانه ای که در آن «انسان مرد/زن معصوم» در آن بود، خانه اهل بیت بود. و اهل بیت تنها کسانی بودند که از اول تولد رتبت یافته پیامبر بودند. به همین دلیل می توانستند بهترین و خالصانه ترین و کاملترین و آسمانی ترین مقش اجتماعی را پذیرا باشند.⁴⁸	رفتار سازی

48. در این خانه، اگرچه بانوی خانه، نقش داخل خانه را پذیرفت که به ظاهر او را از جامعه جدا می کرد. ولی وقتی خانه او مهبط وحی و مرکز علم (اولین دانشگاه در محضر آخرین پیامبر)، و کانون تولید اقتصادی خانگی و خیریه اجتماعی و ... بود؛ بدین جهت در عین خانه بودن، ولی

در این خانه امام علی ع و حضرت زهرا س ، با توجه به مقدورات و امکانات، سعی حداکثری در تولید داشته ، ولی از محصل و دستاورد سعی خود جز به میزان ضرورت استفاده نمی کردند ، و در برابر بیشترین خدمات و خیرات اجتماعی را از جهت کمی (فدک) و کیفی (اخلاص - سوره انسان) داشتند. بدین جه پیامبر پیوسته صحابه را به خانه اهل بیت آدرس و ارجاع می داد تا زن و مرد آنها از این خانه، الگوی نقش پذیری اجتماعی را (با توجه به نقش های جنسیتی) فرا بگیرند. در این الگو، مبتنی بر ایثار مخلصانه، همیشه آنچه برای خود می پسندی برای دیگران هم باید پسندید و برای رشد و رفاه و تعالی مشترک جامعه باید بیشترین تلاش را کرد و ترکیب بالاترین مهارت/تخصص/جایگاه، بالاترین و بیشترین خدمت را داشت.	
در دعاهای امام سجاد ع، یکی از «بن مایه ها و موضوعات» ، دعای برای قرار گرفتن در بهترین نقش و جایگاه اجتماعی است. و این تعبیر به عبارت های مختلف و با حملات مستقیم و غیر مستقیم در بیشتر دعاها مورد اشاره قرار گرفته شده و در برخی از دعاها مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در این نگاه ویژه هم امام سعی دارد تا نگاهی جامع به نقش های اجتماعی ناظر به حقوق و تکالیف اجتماعی هر فرد داشته باشد. و نشان دهد اگر مومنان در جامعه (حتی در جوامع باطل) در نقش های موفق اجتماعی ظاهر شوند، بتدریج هم زمینه نجات اجتماعی فراهم شده و هم ان افراد به بالاترین جایگاه رشد اجتماعی خود خواهند رسید.	جمع بندی
آیا جامعه گرایی مؤمنانه که ایثارگرایانه هم است، بر خلاف رشد و موفقیت فردی نیست؟ ج: موفقیت فردی یعنی تمرکز تمامی توان برای رسیدن به بیشترین ثروت و شهرت مبتنی بر اصالت فرد/لذت. در این نگاه، هر فرد، به جامعه نگاه فردی و استثمارگرایانه دارد. بدین جهت حداکثر بهره وری و حداقل منفعت را برای جامعه دارد و بلکه با معیارهای دنیوی، اگر تولیدی هم داشته باشد، با عرضه منفعت گرایانه، جامعه را در خدمت سودجوئی خود به خدمت می گیرد. بازتاب این وضعیت برای فرد؛ مادی ترین شخصیت انسانی و برای جامعه، یک پدیده استثماری جدید بنام علم و تخصص است. و توسعه این وضعیت، تهی سازی جامعه از ارزش های معنوی و ایجاد مسابقه سقوط در انسانیت و توسعه شرایط آخرالزمانی است.	پاسخ به شبهه

تنها در بیش که به مسجدالنبی بود، همیشه در حد فاصل نماز صبح تا نماز عشا باز بود. و بانوی منزل همیشه چذیرای صحابه اعم از مرد و زن برای دستگیری علمی و فکری و اقتصادی و اجتماعی و مشاوره خانوادگی و ... بود. چون تنها خانه آنها اسوه و الگو و نمونه بود. و بلکه بهشتی ترین مدل زندگی خانواده‌گی و بهشتی ترین خانه، خانه آنها بود. بدین جهت این بهشت کوچک برای الگوشدن، با «سد الابواب الابابه» همراه شد.

ولی در مدلی مانند امام علی ع که در اوج خدمت رسانی اجتماعی است، آدمی نه تنها از سعی و تلاش تولید دور نشده، بلکه به علت ایثارگری، هم خود بر بلندای انسانیت می رسد و هم دیگران را وارد مسیر انسان شدن قرار می دهد. در این صورت، آن جامعه اگر هم از جهت اقتصادی متوسط باشد، ولی از جهت انسانی متعالی است. و در آن عدالت و معنویت و اخلاق و ... موج می زند و اتفاقاً زمینه برای رشد فراگیر علمی و فکری هم برای همگان بیشتر خواهد بود.	
فرقان 74 = وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا = امام و پیشرو و پیشگام متقین شدن یک از دعاهاى قرآنى است.	آیات (تفسیر قرآنی)
طور 26 = وَأَقْبِلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ = بهشتیان کسانی هستند که نسبت به خاندان و جامعه خود دلسوز بوده و هستند. 10 فتح = لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلْ أُولَئِكَ أَكْثَرُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتِلُوا ... = 11 حدید = مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا ... = قرض دادن یک نقش اجتماعی است که ...	آیات جزء 27
ما را از پرچمداران حق قرار بده: (15) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَاةِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَهُدَاةِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (دعای 5) (15) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را از دعوت کنندگانی که به سوی تو دعوت می کنند و راهنمایانی که به جانب تو، به دلالت بندگان برمی خیزند و از ویژه بندگان که در پیشگاه حضرت اختصاص به تو دارند، قرار ده؛ ای مهربان ترین مهربانان. + آسان سازی مسابقه در خیرات و پیشگامی در آن: (94) وَ سَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتُ، وَ الْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتُ. (دعای 74) (94) و پوییدن راه خیرات به سویت و پیشی گرفتن به آن ها را به صورتی که دستور دادی و رقابت در آن ها را به نحوی که خواستی، برایم هموار کن. + در زمره شایستگان در جامعه قرار گرفتن: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ مَتَّعْنِي بِالْإِقْتِصَادِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ، وَ مِنْ أَدْلَةِ الرَّشَادِ، وَ مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ، وَ ارْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمِرْصَادِ.	ادعیه کمکی از صحیفه (تفسیر دعا به دعا)

(دعای 20)

بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا به میانه‌روی بهره‌مند گردان (که در گفتار و کردار از حد تجاوز نکرده تقصیر ننمایم) و مرا از درستکاران و راهنمایان به خیر و نیکی و از بندگان شایسته بگردان، و رستگاری در قیامت و رهایی از دوزخ را روزیم فرما (مراد از مرصاد «کمینگاه» در اینجا دوزخ است برای آنکه نگهبانان آن در آنجا چشم به راه کفاراند برای عذاب و کیفر)

+

تغییر اخلاق اجتماعی از جامعه گریزی به جامعه سازی و جامعه محوری:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَ مِنْ ظَنِّهِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَةَ، وَ مِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةَ، وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَةَ، وَ مِنْ خِذْلَانِ الْأَقْرَبِيِّينَ النَّصْرَةَ، وَ مِنْ حُبِّ الْمُدَارِينِ تَصْحِيحَ الْمَقَّةِ، وَ مِنْ رَدِّ الْمُلَابَسِينَ كَرَمَ الْعِشْرَةِ، وَ مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حُلَاوَةَ الْأَمْنَةِ.

(دعای 20)

بار خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست، و درباره‌ی من تغییر ده دشمنی سخت دشمنان را به دوستی، و رشک بردن سرکشان از حق را به محبت، و بد گمانی نیکان را به اطمینان، و دشمنی آشنایان را به دوستی، و بد رفتاری خویشان را به خوش رفتاری، و خوار گردانیدن نزدیکان را به یاری کردن، و دوستی مداراکنندگان (دوستان ظاهری) را به دوستی واقعی، و اهانت آمیزش کنندگان را به آمیزش نیک، و تلخی ترس از ستمکاران را به شیرینی ایمن بودن (از ایشان)

+

از ارکان جلسات و گروه های نیک جامعه شدن:

شَرَّفْ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ، وَ اكْمِلْ كَرَامَتِي بِغُفْرَانِكَ، وَ انْظِمْنِي فِي اصْحَابِ الْيَمِينِ، وَ وَجِّهْنِي فِي مَسَالِكِ الْأَمْنِينَ، وَ اجْعَلْنِي فِي فَوْجِ الْفَائِزِينَ، وَ اَعْمُرْ بِي مَجَالِسَ الصَّالِحِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

(دعای 41)

به رضا و خشنودی خود درجه و پایه (مقام و منزلت) مرا بلند کن، و به آمرزش خود گرامی داشتنم را کامل نما، و مرا در رشته‌ی اصحاب یمین و یاران دست راست (آنانکه دارای مقام ارجمند هستند) درآور، و در راههای ایمن شدگان (از آفات دنیا و عقوبات آخرت) ببر، و در گروه رستگاران قرار ده، و مجلسهای شایستگان (پرهیزکاران) را به وسیله‌ی (رفت و آمد و معاشرت و آمیزش) من آباد گردان، دعايم را روا فرما ای پروردگار جهانیان.

+

نداشتن هیچ دلگیری از اهل ایمان و دلرحمی نسبت به آنان:

﴿127﴾ وَ أَنْزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ،

(دعای 47)

(127) و کینه مؤمنان را از دلم ریشه‌کن فرما و دلم را نسبت به فروتنان مهربان کن

+

از ظلم یآوری و دین ستیزی اجتماعی مرا دور بدار:

(132) وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيراً، وَلَا لَهُمْ عَلَى مَحْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيراً، (دعای 47) (132) و مرا پشتیبان ستمکاران و دستیار و یاور آنان برای نابود کردن قرآنت قرار مده؛ + در طول سال جزو پیشگامان در نیکوکاری باشیم: اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِي سَائِرِ الشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ مَا عَمَرْتَنَا، وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ، وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ، أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ، وَ مِنَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ. (دعای 44) + اصل ارتباط و همگرایی اجتماعی باشیم حتی با آنان که به ما بدی کردند: وَوَقَّفْنَا فِيهِ لَأَنْ نَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَةِ، وَأَنْ نَتَعَاهدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَأَنْ نُخَلِّصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبَعَاتِ، وَأَنْ نَطَهِّرَهَا بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ، وَأَنْ نُرَاجِعَ مَنْ هَاجَرَنَا، وَأَنْ نُنْصِفَ مَنْ ظَلَمَنَا، وَأَنْ نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا حَاشَى مَنْ عُوْدِي فَيْكَ وَ لَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيهِ، وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا نُصَافِيهِ. (دعای 44) + اولویت دادن در ارتباطات اجتماعی به محرومین: اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ، وَاعْنِي عَلَى صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ. (دعای 30) بار خدایا همنشینی فقراء و درویشان را برایم محبوب گردان، و مرا به صبر و شکیبائی نیکو (صبری که نفس به آن اطمینان و آرامش داشته اضطراب و نگرانی در آن راه نیابد) بر همنشینی ایشان یاری فرما + در روابط اجتماعی از ظلم کردن و ظلم پذیری، مرا دور بدار: (10) اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أَظْلَمَ. (10) خدایا! همان طور که ستم کردن دیگران را بر من در نظرم ناخوشایند جلوه دادی، مرا از این که بر دیگران ستم ورزم حفظ فرما. (دعای 14)	
دوری از فرصت های اجتماعی مطلوب، هم سقوط اجتماعی و هم سقوط معنوی را موجب می شود: سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي، وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَزَعَيْتَنِي،	دعای غیر صحیفه

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ أَيْسَرْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلْفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيَّنْتَنِي وَبَيَّنَّهُمْ خَلِّتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ بَجَرْمِي وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَائِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي؛ (دعای ابو حمزه) سرور من شاید مرا از درگاهت رانده‌ای و از خدمتت برکنار نموده‌ای، یا مرا دیده‌ای که حقت را سبک می‌شمارم پس از پیشگاهت دورم ساختی، یا شاید مرا روی گردان از خود مشاهده کردی، پس مرا مورد خشم قرار دادی یا شاید مرا در جایگاه دروغ‌گو بیان یافتی، پس به دورم انداختی، یا شاید مرا نسبت به نعمت‌هایت ناسپاس دیدی، پس محرومم کردی یا شاید مرا از هم‌نشینی دانشمندان غایب یافتی، پس خوارم نمودی، یا شاید مرا در گروه بی‌خبران دیدی، پس از رحمت ناامیدم کردی، یا شاید مرا انس یافته با مجالس بیکاره‌ها دیدی، پس مرا به آنان واگذاشتی، یا شاید دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس دورم نمودی، یا شاید به خاطر جرم و جنایتم کیفرم نمودی، یا شاید برای کمی حیایم از تو، مجازاتم نمودی؛	
رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) در هنگام اعزام ایشان به سفر و ماموریت تبلیغی یمن، فرمود: ثواب هدایت کردن یک نفر در پرونده تو، از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد بهتر است. (الکافی: 28/5، حدیث 4) + امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در خطبه صفین می‌فرماید: ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقًا افْتَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ، فَجَعَلَهَا تَتَكَافَأُ فِي وُجُوهِهَا وَ يُوجِبُ بَعْضُهَا بَعْضًا، وَ لَا يُسْتَوْجَبُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ. وَلَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى اِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ وَ لَيْسَ أَمْرٌ - وَ أَنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنْزِلَتُهُ وَ تَقَدَّمَ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ بِفَوْقِ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ وَ لَا أَمْرٌ - وَأَنْ صَغُرَتْ النُّفُوسُ وَ افْتَحَمَتْهُ الْعُيُونُ - بِدُونِ أَنْ يُعِينَ عَلَى ذَلِكَ أَوْ يُعَانَ عَلَيْهِ	احادیث

. (نهج البلاغه: خطبه 207).

آن گاه خداوند از حقوق خود حقوقی را بر بعض مردم نسبت به بعض دیگر واجب گرداند، و آن حقوق را در جهات و حالات با هم برابر قرار داد و بعضی را در برابر بعضی دیگر واجب نمود، و بعضی واجب نگردد مگر به انجام حقی که در برابر آن است. لکن از جمله حقوق واجب خدا بر بندگان این است که به اندازه طاقت خود به خیرخواهی یکدیگر برخیزند، و در کمک به هم برای اقامه حق در بین خود اقدام کنند. و هیچ کس - گرچه منزلتش در حق عظیم باشد، و فضیلتش در دین بر دیگران پیشی داشته باشد، - چنان نیست که در ادای حقی که خدا بر او واجب کرده محتاج به کمک نباشد، و هیچ کس - گرچه او را کوچک شمارند، و در دیده حقیر ببینند - کمتر از آن نیست که در ادای حق به دیگران کمک کند و یا از سوی دیگران کمک شود.

+

مَنْ عَظَّمَ دِينَ اللَّهِ عَظَّمَ حَقَّ إِخْوَانِهِ وَمَنْ اسْتَخَفَّ بِدِينِهِ اسْتَخَفَّ بِإِخْوَانِهِ.

(بحار الأنوار: 287 / 71، باب 20، ذیل حدیث 13)

هر که دین خدا را ارج نهد، برای حقوق برادران خود نیز ارزش و بزرگی بخواهد؛ و هر که دین خدا را سبک بشمارد به برادران خود نیز اهمیت ندهد.

+

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ اسْتَعْمَلَهُ قِيلَ وَ مَا اسْتَعْمَالُهُ؟ قَالَ يَفْتَحُ لَهُ عَمَلًا صَالِحًا بَيْنَ يَدَيِ مَوْتِهِ حَتَّى يَرْضَى عَنْهُ مِنْ حَوْلِهِ.

(نهج الفصاحه، ح 158)

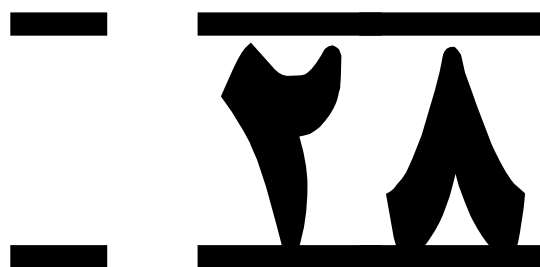
وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد او را بکار گیرد. گفتند: بکار گرفتن او چگونه است؟ گفت: نزدیک مرگ وی کار نیکی را پیش پایش میگذارد تا اطرافیان او را از او خوشنود کند.

+

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش مُعَلَّى بْنِ خُنَيسٍ که حق انسانهای مؤمن نسبت به یکدیگر چیست؟ حضرت در پاسخ این حقوق انسانی را هفت قسم دانسته و فرمودند:

قال: لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةُ حُقُوقٍ وَاجِبَةٍ وَ لَيْسَ مِنْهَا حَقٌّ إِلَّا وَهُوَ وَاجِبٌ عَلَى أَخِيهِ إِنْ ضَاعَ مِنْهَا حَقٌّ خَرَجَ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ وَ تَرَكَ طَاعَتَهُ وَ لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ فِيهَا نَصِيبٌ. فرمود: مؤمن هفت نوع حق بر مؤمن دارد که واجب و حتمی می باشد. چنانچه یکی از آنها پایمال گردد از ولایت خداوند خارج گشته و ترک طاعت او کرده است و و هیچ حظ و بهره ای از آن نمی برد. یکم- أَيْسَرُ حَقٍّ مِنْهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَ أَنْ تَكْرَهَ لَهُ مَا تَكْرَهُهُ لِنَفْسِكَ: اولین و ساده ترین حقوق این است که آن چه را برای خود دوست داری برای او دوست داشته باشی و آنچه برای خود ناپسند و زشت می دانی برای او هم ناپسند دانی. دوم - وَ الثَّانِي أَنْ تُعِينَهُ بِنَفْسِكَ وَ مَالِكَ وَ لِسَانِكَ وَ يَدِكَ وَ رِجْلِكَ: او را (با تمام وجود اعم از) جسم مال و ثروت، زبان، دست و پا کمک نموده و دریغ نورزی	
رساله حقوق امام سجاد ع که بخش قابل توجهی از آن درباره حقوق اجتماعی است. + سیره جالب امام سجاد ع برای جاذبه آفرینی به سوی حق در جامعه مروانی: امام سجاد ع 20 سال آغازین امامتش، گریه های عاشورائی را داشت تا شاید جامعه غافل و فاسد زمانه خود را ...، امام در عین حال 20 (یا 25) سفر حج هم داشت که اغلب با پیاده صورت گرفت. این تعداد سفر حج تقریباً بیشتر آنها در بخش آخر دوران امامت (34) ساله بود. چون دهه اول امامتشان مصادف با جنگ های یزیدی/زبیری بر محور مکه بود. و ...، در هر صورت: وقتی سفرهای حج امام شروع شد، امام در مظلومانه ترین شرایط امام اجتماعی بود. و حتی اگر هم با بوق و کرنا به حج می رفت نه دستگاه خلافت می گذاشت نه حاجیان غافل به ایشان توجهی می کردند!!! پس در دهه اول سفرهای حج، امام از مدینه به صورت ناشنای با کاروان های حج شهرستان های دیگر همراه شده و نقش خدمتگزاری آنان را می پذیرفت. و چنان خالصانه و عاشقانه به همسفران خدمت می کرد که موجب شگفتی حاجی نماها شده و آنان را به شناسایی	از سیره اهلبیت
مجموعه حکایاتی در رابطه بین امامان و خواص اصحابشان که آنان را به مأموریت و مسئولیت های اجتماعی می گمارده یا توصیه می کردند و اجازه نمی دادند «ترک فعل» به علت سختی کار صورت بگیرد. مانند:	حکایات

- امیرالمومنین در شکوه در دوران پایان خلافتش (این عمار، این مالک، این ابن التیهان ...) به علت این که آنان افراد فعال و کنشگر و تاثیرگذار در جامعه بودند و با رفتن آنها امام در جامعه ابزار توانمند نداشت. - خطبه امام حسین در منی در سال آخر خلافت معاویه برای نزدیک به هزار نفر صحابه و تابعین. در ضمن مراسم حج، که در آن امام پس از معرفی وضعیت جاری جهان اسلام و دادن هشدارها و تکلیف ها، در نهایت از جمع حاضر می خواهد که پس از مراسم حج به مناطق خود بازگشته و ماهیت خلافت اموی را برای آنها بیان کنند. - دیدار علی بن یقطین با امام کاظم ع و درخواست اتمام مأموریت در دربار هارون به علت سختی آن، ولی پاسخ امام که تنها راه بهشت برای تو، همین کار است تا وقتی که دستگیر شیهه هستی - دیدار زکریا بن آدمی قمی با امام رضا ع وی اجازه ترک قم به علت اذیت ...، ولی عدم رضایت امام و توصیه به باقی مانده و استمرار خدمات	
--	--



نشان دین شدن

ش 28		
موضوع	متن	
موضوع	پرچمدار دین و مذهب شدن شخصیت و رفتار ما، در هر شغل و جایگاهی آدرس دین داشته باشد	
متن دعا	﴿1﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ تَوَلَّنِي فِي جِبْرَانِي وَ مَوَالِيَّ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا ، وَ الْمُتَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ	
آدرس	دعای 26	
ترجمه	(1) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و سرپرستی مرا، دربارهٔ همسایگان و دوستانم که به حق ما آگاه و با دشمنان ما در مخالفت و ستیزند، به برترین سرپرستی‌ات به عهده گیر.	
دعای کمکی	دعای 26 = وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجِبْرَانِهِ وَ أَوْلِيَانِهِ إِذَا ذَكَرَهُمْ رویکرد این دعای نسبتاً کوتاه: دعا برای همسایگان و دوستانی که دارای معرفت به ولایت هستند، است. و دعا برای این است: که دعاکننده توفیق سرپرستی آنان را پیدا کرده، و بر محور او یک همگرایی ایمان شکل بگیرد تا دستاورد آن؛ همراه و همدل مومنان با دعا کننده باشد تا در نهایت، با این همگرایی و بر محور سرپرستی و راهبر دعاکننده، همگان به سعادت برسند: حَتَّى يَسْعُدُوا بِي وَ أَسْعَدَ بِهِمْ	
آنالیز و گراف: جملات دعا	مضمون	دعا
	بیمه و ضمانت نامه استجابت دعا	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
	درخواست و خواست اصلی:	وَ تَوَلَّنِي
	توفیق خدمتگزاری	فِي جِبْرَانِي وَ مَوَالِيَّ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا
	تولی	وَ الْمُتَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا
	تبری	بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ
	کیفیت ولایت و سرپرستی درخواستی:	
	بالاترین توفیق خدمتگزاری	
پرسش	در دینداری بالاترین مرتبه کسب رحمت و برکت و مغفرت کجاست؟	

چگونه می توان به بالاترین مرتبه در دینداری رسید؟ اگر محور دین معصومینی هستند که مظهر رحمت الهی هستند، ما چه نسبتی با این آیات رحمت داشته باشیم ، تا از رحمت آنان بیشترین فیض را داشته باشیم؟ بین نقش افرینی اجتماعی تخصصی و اختصاصی جهان شیعی و رسیدن به بالاترین درجه دریافت رحمت الهی چه نسبتی هست؟	
هدف معرفی بالاترین رسالت هر دیندار و هر مؤمن بر بستر برنامه سالیانه شب های قدر، برای نشان دین شدن و توسعه دین با رفتار/گفتار خود تا به واسطه محور و مرکز مؤمنان شدن و خدمت به ایتم آل محمد، زمینه نزول بالاترین رحمت الهی برای خودش (و به تبع خودش برای جامعه شیعه) را فراهم کند.	
انگیزه سازی آدمی در زندگی دنیوی به صورت طبیعی دنبال رسیدن به بالاترین مراتب سعادت است. این مراتب سعادت را اگر دنیوی نگاه کنیم فقط در «تکاثر» دستاوردهای دنیوی می توان دید «اعلموا انما الحياه الدنيا لعب و لهو و زينه و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد – حدید 20» ولی در نگاه انسانی و فطری، ارزش های متعالی معیار سنجش موفقیت است. ارزش های متعالی ای که بر معیار بالاترین وجود و موجود، یعنی وجود غیبی حق تعالی می توان دید. تا بالاترین ارزش، وصل شدن به حقیقت بیکران حق تعالی ، و وصل سازی دیگران به این حقیقت باشد. پس زیست مؤمنانه و دعوت دیگران با رفتار نیک و گفتار پسندیده (ادفع بالتی هی أحسن)؛ بالاترین لذت در زندگی می تواند باشد. لذت این که ببینی هم خودت در مسیر موفقیت هستی و هم دیگران به کمک تو در مسیر موفقیت قرار می گیرند. موفقیتی که باعث نجات و سعادت متقابل و متکامل همگان می شود. یعنی هرچه تعداد کمی و کیفی افراد موفق زیاد شود، برکات و رحمت و خیرات الهی هم بیشتر خواهد شد «و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض ... – اعراف 96» پس بالاترین درجه رحمت و برکت الهی وقتی خواهد بود که انسان ها به صورت جمعی به دین زیستی رو بیاورند و در این اقبال و توجه «من» نقشی ویژه داشته باشیم.	
متقاعد سازی و اقناع به حکم عقل و فطرت و به اعتبار قوانین شرعی و عرفی، هر گاه کسی در مرکز یک جریان قرار گرفت، سهم بیشتری از خوبی ها و بدهی ها نصیبش خواهد شد. و اگر آن جریان مثبت و انسانی و حق باشد، او را در کانون نزول رحمت و محبت و برکت و مغفرت الهی قرار خواهد داد. چرا که او در جریان حق: برای قرار گرفتن در کانون حق، کمترین بهره مندی دنیوی و بیشترین سعی و تلاش انسانی خالصانه باید صورت بگیرد. بدین جهت مومن صالح و موفق کسی است که مانند راهبران معصوم، بالاترین سعی و تلاش را برای دستگیری از دیگران و نگاه راهبری و همگرایی آنان بر محور حق داشته باشد. و همه این ها رفتارهای انسانی فطری است که جز با	

اخلاص امکان اجرا ندارد. ولی چون انجام شود، ادمی را در محور رحمت و محبت و برکات الهی قرار می دهد. برای این کار: انسان مؤمن باید تلاش کند که خود را از سطح دیگران بالاتر کشیده و با الگوگیری از راهبران معصوم و تلاش برای همانندی با آنان، سعی کند که نشان دین باشد. یعنی تمام وجودش از رفتار و گفتار و حضورش و ... نشان دین بدهد تا با این نشان شدن جامع و فراگیر، پیوسته دعوتگر به دین بوده و دیگران را مستقیم و غیر مستقیم به دین دعوت نماید. او در مسیر جستجو از بالاترین رحمت ها و محبت های الهی، فقط نباید دعوتگر دینی باشد، بلکه بعد از آن و بالاتر از آن باید سخت ترین مسئولیت ها را در راهبری مؤمنان بپذیرد البته به اندازه توان خود و فراهم بودن شرایط. یعنی در محله یا منطقه خود، محور و ملجأ و مرکز حق باوران باشد. چه از جهت معنوی و فکری و چه از جهت دنیوی و اقتصادی و چه از جهت تدبیر امور اجتماعی آنان و ... در این صورت: او به علت عهده داری مسئولیت سنگینی که پیوسته در آن حال هم باید خود را حفظ کند و هم حافظ دینداران دیگر باشد، بالاترین رشد و ظرفیت وجودی را پیدا خواهد کرد. و در این صورت زمینه برای دریافت بالاترین رحمت و محبت الهی را خواهد یافت.	
مطالعه تاریخ پیامبران و امامان معصوم نشان می دهد که آنان در مسیر سخت دعوت و هدایت انسان ها، می توانستند تنهایی موفق باشند. و پیوسته نیازمند «مؤمنان توانمند و فعال و اثرگذار در جامعه» بودند. و بر معیار این نیاز بوده که اصحاب برتر پیامبران و امامان شناخته می شدند. و ناظر به راهبری واسطه ای و کارگشایی آنان بین راهبر معصوم و جامعه انسانی، زمینه بالاترین جایگاه معنوی و دعای خیر ولیّ زمانه و ماندگاری در تاریخ را می یافتند. بر اساس این الگو هست که در آیات و روایات اسلامی و اهلبیتی، بالاترین درجه ایمان؛ درجه تحمل مسئولیت مؤمنانه برای حفظ و توسعه و تعالی جوامع ایمانی است در شرایط مختلف و متفاوت است. عین برای تحمل این مسئولیت فرق نمی کند که فرد متخصص در جامعه باطل مسئولیت بپذیرد تا در پوشش تقیه برای مومنان کار کند یا در جامعه حق مسئولیت بپذیرد تا رکنی مهم برای پیشبرد جامعه حق بگردد یا این که در جامعه حق بی ادعا، نشان حق و دستگیری معنوی و دنیوی از نیازمندان باشد. فقط مهم این است که: از مرتبه یک مومن ضعیف یا مومن عادی، یا مومن زرنگ منفعت طلب، به مومن زرنگ دلسوز فعال مسئولیت پذیر دنیاگریز ...؛ تغییر ماهیت دهد. در این صورت او هم خودش بالاترین رشد انسانی را یافته و هم واسطه رشد و تعالی دیگران خواهد شد. پس گستره ای از نظامات رحمت شامل حال او خواهد شد که عبارتند از: - رحمت الهی - رحمت و دعای خیر ولیّ زمانه	رفتار سازی

- دعای خیر مومنان و مظلومان و محرومان و با این نظام رحمت، او جزو موفق ترین انسان های زمانه خود و بلکه در تاریخ بشریت خواهد شد. و حتی دعا و صلوات امامان پیشین هم شامل حالش خواهد شد.	
اولین گام برای خارج شدن از خودپسندی، وارد شدن به ارزش «آنچه برای خود می پسنی برای دیگران هم بپسند» است. و دومین گام و متعالی ترین آن؛ وارد شدن به دایره «اولیای حق» شدن است. یعنی اوج از خودگذشتگی و پذیرش سخت ترین و دشوار ترین مسئولیت با کمترین توقع و انتظار. برای فهم این مدعا به سه مقطع زمانی می توان توجه کرد: - دوران پیامبر اسلام که کارگزارانی جوان و توانمند انتخاب می کرد ولی برای آنان حق و امتیاز ویژه قرار نمی داد. - دوران امام خلافت علوی که کارگزاران ویژه انتخاب می گرد و اتفاقاً آنان را زیر نظارت شدید قرار داده و مراقب بود دچار سوء استفاده از قدرت نشوند و در برابر با ترجمان انسانی شدن از امام علی ع، توسعه دهنده فضائل خلافت علوی باشند - دوران حکومت جهانی امام زمان عج؛ که بر کارگزارانش سخت گیر و بر محرومان مهربان است. «عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ، أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَالِ، جَوَاداً بِالْمَالِ، رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ». این توصیفات به این دلیل است که کارگزاری برای امام معصوم، به معنی تالی تلو امام بودن در هدایتگری جامعه است. پس کارگزاری باید در اوج معنویت و دانش و اخلاق و فضیلت و تدبیر، و دور از دنیازدگی و خودخواهی و ... ؛ باشد. این ویژگی اگر در انسانی یافت شد، یعنی او انسانی است که با سلوک اختیار و سعی و تلاش، به بالاترین کمالات رسیده است. لذا او هم شایستگی دعا به صلوات دارد «اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ ...» به همین دلیل است که معصومین در عین مراقبت شدید از خواص اصحاب خود، بالاترین احترام و تکریم و دعا و عنایت را به آنان داشتند . این اصحاب هم منحصر به کارگزاران سیاسی نبود، و تمامی خواص جبهه حق از کارگزاران و علما و را شامل می شود: - سلمان مّا اهل البيت. - امام صادق(ع) در مورد زراره و محمد بن مسلم و ابوبصیر و برید بن معاویه عجلّی: «لولا هؤلاء لاندركت آثار النبوة». - «لولا القميون لزال الدين».	جمع بندی

پاسخ به شبهه	با توجه به تنوع حضور شیعیان در اقصی نقاط عالم، این دعای حضرت برای کسب خدمتگزاری برای کدام گروه از شیعه است؟ آیا شیعه داخل جغرافیای تشیع را شامل می شود یا دعایی عام است؟ ج این دعا از امام سجاده است. امامی که پایه گذار مجدد تشیع است. آن هم در زمانه ای که اصولا شیعیان راستین حتی کمتر از انگشتان دست هستند. بدین جهت دعای امام برای شیعه در داخل جوامع شیعه نیست بلکه دعایی عام است برای هر شیعه ای که در گوشه عالم توفیق کسب جایگاه اجتماعی و ... را می یابد تا بر اساس سرمایه اجتماعی و اعتبار اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاسی و ... خود هم زمینه نشر تشیع در منطقه را فراهم سازد و هم شیعیان موجود را مستقیم و یا غیر مستقیم مورد حمایت خود قرار دهد تا فرصت تاریخی برای توسعه مکتب اهل بیت در دایره نفوذ اجتماعی من فراهم گردد.
آیات (تفسیر قرآنی)	فصلت 33 = وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ = احزاب 23 = مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا = بقره 138 = صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً مَّائِدَه 54 = يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ ۖ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَٰلِكَ + قصه مؤمن های غیر پیامبر در قرآن که نقش دینی ویژه در تاریخ پیامبران ایفا کردند: - لقمان حکیم - مؤمن آل فرعون - مؤمن آل یس - اصحاب کهف - صاحب باغ
آیات جزء 28	14 صف = يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ... = دعوت به نصرت ویژه دین و جایگاه برتر دین یاوران 11 تحریم = وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ ... = حتی یک زن هم می تواند در مقطع زمانی خود در جایگاهی که قرار دارد، برای حق نقش آفرینی ویژه داشته باشد.. سوره منافقون = سوره منافقون و آیات نفاق در قرآن برای خیلی عظیم مدعیان مسلمانی است که فقط بر زبان ادعا دارند و در عمل بر علیه دین و مکتب کار کرده و یا بازتاب زندگی آنها ضربه به دین است.

ادعیه
کمکی از
صحیفه
(تفسیر دعا
به دعا)

درخواست توفیق ولایت پذیری و خدمتگزاری نسبت به مومنان:

﴿1﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَتَوَلَّنِي فِي جِبْرَانِي وَ مَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا ، وَ الْمُتَابِعِينَ لَأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلٍ وَلَا يَتَكَ .

(دعای 26)

(1)خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و سرپرستی مرا، دربارهٔ همسایگان و دوستانم که به حقّ ما آگاه و با دشمنان ما در مخالفت و ستیزند، به برترین سرپرستی‌ات به عهده گیر.

﴿3﴾ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزَى بِالْإِحْسَانِ مُسِيئَتِهِمْ ، وَ أَعْرَضُ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ ، وَ اسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَتِهِمْ ، وَ اتَوَلَّنِي بِالْبِرِّ عَامَّتِهِمْ ، وَ اغْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عَقَّةً ، وَ أَلِنْ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضُعاً ، وَ أَرْقُ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً ، وَ أَسِرُّ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً ، وَ أَحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحاً ، وَ أَوْجِبْ لَهُمْ مَا أَوْجِبُ لِحَامَتِي ، وَ أَرْعَى لَهُمْ مَا أَرْعَى لِخَاصَّتِي .

(دعای 26)

(3)خدایا! مرا چنان قرار ده که بدکارشان را به نیکی و خوبی پاداش دهم و از ستمکارشان با گذشت و چشم‌پوشی روی گردان شوم، درباره همه آنان خوش‌گمانی را به کار گیرم، همه آنان را با نیکوکاری سرپرستی کنم، عقیقه‌ای چشم از خطایشان بیوشم، فروتنانه با آنان نرم باشم، مهربانانه بر بلا دیده آنان رقت آورم، در پنهان دوستی خود را بر آنان ظاهر سازم، خیرخواهانه دوام نعمتشان را بخواهم؛ آنچه برای اقوام خود لازم می‌دانم؛ برای آنان لازم بدانم، آنچه برای مخصوصان خود رعایت می‌کنم، برای آنان رعایت کنم .

+

درخواست نشان و راهبر دین شدن:

﴿15﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ دُعَايِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ ، وَ هُدَايِكَ الدَّالِّينَ عَلَيْكَ ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

(دعای 5)

(15)خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را از دعوت‌کنندگانی که به سوی تو دعوت می‌کنند و راهنمایی که به جانب تو، به دلالت بندگان برمی‌خیزند و از ویژه بندگان که در پیشگاه حضرت اختصاص به تو دارند، قرار ده؛ ای مهربان‌ترین مهربانان .

+

دعای صلوات برای شیعیان خالص و منتظر که در بالاترین مرتبه شیعه زیستی هستند:

﴿64﴾ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ جَهْمٌ ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّكَايَاتِ النَّامِيَّاتِ الْغَادِيَّاتِ الرَّائِحَاتِ

دعای 47

(64) خدایا! بر دوستان محمد و آل محمد درود فرست، دوستانی که به مقامشان اقرار دارند، پیرو راهشان هستند، دنباله‌رو آثارشان می‌باشند، چنگ‌زننده به دستگیره محکم و استوارشان

هستند، به ولایتشان تمسک دارند، به امامتشان اقتدا می کنند، به دستوراتشان تسلیم اند، در فرمان برداری از آنان کوشایند، منتظر حکومت و قدرت پیروزی آنان اند، چشم دوخته به ایشان اند. درودهای مبارک، پاکیزه، فزاینده صبحگاهان و شامگاهان، بر آنان باد + آرزوی مسابقه در خیرات که بالاترین نشان دین و مسئولیت پذیری دینی است: ﴿94﴾ وَ سَهِّلْ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ ، وَ الْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتُ ، وَ الْمُشَاحَّةَ فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتُ . (دعای 47) (94) و پوییدن راه خیرات به سویت و پیشی گرفتن به آن ها را به صورتی که دستور دادی و رقابت در آن ها را به نحوی که خواستی، برایم هموار کن . + این که زبان و رفتار و حضور اجتماعی من همیشه در مسیر هدایتگری باشد: ﴿16﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى ، وَ أَلْهِمْنِي التَّقْوَى ، وَ وَفَّقْنِي لِلَّتِي هِيَ أَزْكَى ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى . (16) خدایا! به هدایت، گویایم کن و تقوا را به من الهام فرما و به پاکیزه ترین روش توفیقم ده و به اموری که پسندیده تر است به کارم گیر . ﴿17﴾ اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُثْلَى ، وَ اجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَ أَحْيَا . (17) خدایا! مرا به برترین راه ببر و مرا بر آیینت قرار ده که بر اساس آن بمیرم و بر مبنای آن زنده باشم . ﴿18﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ مَتَّعْنِي بِالْإِقْتِصَادِ ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ ، وَ مِنْ أَدْلَةِ الرَّشَادِ ، وَ مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ ، وَ ارْزُقْنِي فَوْزَ الْمَعَادِ ، وَ سَلَامَةَ الْمَرْصَادِ . (18) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا در تمام امور زندگی از میانه روی بهره مند کن و اهل صواب و درستی و از زمره راهنمایان به خیر و از بندگان شایسته ات قرار ده؛ و رستگاری روز قیامت و سلامت از کمینگاه عذاب را روزی ام کن . (دعای 20 – مکارم الاخلاق)	
در دعا های مهدوی، دعا برای توفیق پذیرش نصرت و یا یآوری امام زمان در متن جامعه، یک از دعا های ویژه و خاص استو که به ویژه در دعاهای عهد و دعای زمان غیبت تکرار شده است: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، (وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ = این بند به معنی مسئولیت پذیری تا مرز شهادت است).	دعای غیر صحیفه
كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّنِّتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَ الْجِتْهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ الْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛	احادیث

مردم را با غیر زیانتان [به دین حق و آیین صلاح] دعوت کنید، باید [در مقام عمل طوری باشید] که از شما پرهیز از گناه و کوشش در طاعت و انجام نماز و [اقدام به هر کار] خیر را ببینند [نه این که تنها سخنانی بشنوند] چه آن که سبب موثر در جذب مردم به سوی حق این نوع از دعوت است.

+

امام صادق (علیه السلام) خطاب به عده‌ای از شیعه:

مَعَ شَرِّ الشَّيْعَةِ! كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا، وَ احْفَظُوا السِّنَّتَكُمْ، وَ كُفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِيحِ الْقَوْلِ.

ای جمعیت شیعه! با ورع و تقوا و عمل صالح زینت ما باشید، کاری نکنید که باعث نفرت دیگران از ائمه طاهرین شوید، با مردم خوش بگوئید، زبان از غیبت و تهمت و دروغ حفظ کنید، از زیادی سخن و کلام بد پرهیزید. (وسائل الشیعه: 12/193، باب 19، حدیث 16063)

+

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

يَا عَلِيُّ ... وَ اَيُّمُ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ

ثواب هدایت کردن یک نفر در پرونده تو، از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد بهتر است.

(الکافی: 28/5، حدیث 4)

+

در روایت یحیی بن ام‌الطویل از امام سجّاد (ع) آمده است: «طُوبَى لِمَنْ طَابَ خُلُقُهُ وَ طَهَّرَتْ سَجِيَّتَهُ وَ حَسُنَتْ عِلَانِيَتُهُ وَ انْفَقَ الْفَضْلُ مِنْ مَالِهِ وَ اُمْسَكَ الْفَضْلُ مِنْ قَوْلِهِ وَ اَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ» (دیلمی، اعلام الدین، ۱۱۹)

+

امام باقر(ع) درباره شیعیان دوره صدر اسلام : اولیا و شیعیان ما در گذشته از بهترین افراد منطقه و محل خود بودند ، اگر امام مسجد در قبیله ای بود از آن ها بود، اگر امانتداری وجود داشت، و بالاخره اگر دانشمندی در میان مردم یافت می شد که در مسائل دینی و مصالح اجتماعی به او مراجعه کنند؛ همه و همه از شیعیان و محبان ما بودند.⁴⁹ + بازرگانی شیعه که در سفرهای خارجی تبلیغ تشیع می کرد: شَرِيفُ بْنُ سَابِقٍ عَنْ حَمَّادِ السَّمَنْدَرِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَ إِنِّي أَدْخُلُ بِلَادَ الشُّرْكِ وَإِنْ مَنْ عِنْدَنَا يَقُولُونَ إِنَّ مِتَّ ثُمَّ حُشِرْتَ مَعَهُمْ قَالَ فَقَالَ لِي يَا حَمَّادُ إِذَا كُنْتَ ثُمَّ تَذَكَّرُ أَمْرَنَا وَتَدْعُو إِلَيْهِ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَإِذَا كُنْتَ فِي هَذِهِ الْمَدِينِ مُدْنِ الْإِسْلَامِ تَذَكَّرُ أَمْرَنَا وَتَدْعُو إِلَيْهِ قَالَ قُلْتُ لَا فَقَالَ لِي إِنَّكَ إِنْ تَمَتَّ ثُمَّ تَحْشُرَ أُمَّهُ وَحَدَكَ وَيَسْعَى نُورُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ⁵⁰ + امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾³⁰ مسلماناً نزدیکترین مردم به ابراهیم [از جهت پیوند وانتساب معنوی] کسانی‌اند که [از روی حقیقت] از او پیروی کردند، و این پیامبر و کسانی که [به او] ایمان آورده‌اند [از همه به او نزدیک‌ترند] و خدا یاور و سرپرست مؤمنان است. فرمودند: هُمُ الْأَائِمَّةُ وَاتِّبَاعُهُمْ. یعنی منظور از جمله ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ امامان معصوم که جانشینان بر حق پیامبرند و تابعان آنها‌یند. (تفسیر العیاشی: 1/ 177، ذیل آیه 68 سوره آل عمران)	
امام صادق و دستور به شیعیانش برای انتشار و تبلیغ دین ...	از سیره اهل بیت

49 - دعائم الاسلام / 71/1 به نقل از تاریخ تشیع در ایران / 1 / 89

50 . وَ رَوَاهُ الْكَثْبِيُّ فِي كِتَابِ الرِّجَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ مِثْلَهُ وَ رَوَاهُ الطُّوسِيُّ فِي الْأَمَالِيِّ كَمَا مَرَّ فِي الْجِهَادِ أَقُولُ وَ تَقَدَّمَ مَا يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ عُمُومًا وَ خُصُوصًا وَ يَأْتِي مَا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَ يَأْتِي مَا ظَاهَرَهُ الْمَنَافَةُ وَ نُبَيِّنُ وَجْهَهُ

وسائل الشيعة ج : 16 ص : 189

حکایات	دعای پیامبر در روز غدیر:
	«اللهم وال من والاه ... و انصر من نصره»
	این دعا شامل حال تمامی مبلغان شیعه در هر صنف و شغلی تا قیامت می شود. (حکایت محمد جواد مغنیه) ⁵¹
	+
	امیرالمومنین در رثای مهمترین یار و یاورش:
	امیر المؤمنین علی (علیه السلام) چون خبر جانکاه شهادت مالک را شنید، بالای منبر رفت و فرمود: «أَلَا إِنَّ مَالِكَ بْنَ الْحَارِثِ قَدْ قُضِيَ نَحْبُهُ، وَأَوْفَى بَعْثُهُ، وَلَقِيَ رَبَّهُ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَالِكاً! لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فِنْدًا وَلَوْ كَانَ حَجَرًا لَكَانَ صَلْدًا. اللَّهُ مَالِكٌ! وَمَا مَالِكٌ! وَهَلْ قَامَتِ النِّسَاءُ عَنْ مِثْلِ مَالِكٍ! وَهَلْ مَوْجُودٌ كَمَالِكٍ!»؛ (بدانید که مالک بن حارث، روزگار خود را به پایان برد و به پیمان خویش وفا نمود و به دیدار پرورگارش شتافت. خدا مالک را بیامرزد! اگر کوه می بود، قلّه ای دست نیافتنی و دور و بلند می نمود! و اگر سنگ می بود، صخره ای سخت می نمود! آفرین بر مالک! مالک که بود؟! آیا زنان، مانند مالک را می زاینند؟! آیا در روزگار ما چون مالک هست؟
	(الاختصاص، ص 81؛ الأمالی للمفید، ص 83 ح 4؛ الغارات، ج 1، ص 265).
	+
	امام حسین ع بر بالین مسلم بن عوسجه در کربلا:
	پس از مبارزه مسلم بن عوسجه و افتادن او بر زمین، چون پیکر نیمه جان مسلم بر زمین کربلا افتاد. امام حسین علیه السلام به سوی او شتافت و فرمود: ای مسلم خدا تو را رحمت کند. سپس این آیه را تلاوت فرمود: فَمِنْهُمْ مَنْ قُضِيَ نَحْبُهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا.+
	+
	امام کاظم ع و علی بن یقطین:
	در روایتی، موسی بن جعفر (ع) می فرماید: وقتی که در حج بودم هیچ کس در ذهنم خطور نکرد، جز علی بن یقطین که همواره با من بود و از نظرم نرفت تا اینکه از آنجا رفتم

⁵¹ . یکی از علمای شیعه به دیدن علامه محمد جواد مغنیه در لبنان می رود. نزد او گونی ای پر از نامه می بیند. می پرسد اینها چیست؟ ایشان می گوید به علت فعالیت های علمی ام در دفاع از تشیع، این ها نامه های تهدید و ... است که به من می رسد!! می پرسد: از این وضع هراسناک نیستید؟؟ می فرماید: نه!! چون یقین دارم دعای پیامبر در روز غدیر شامل حال من می شود که فرمود: اللهم انصر من نصره.

در روایتی امام کاظم(ع) نسبت به اظهار ناخرسندی علی بن یقطین از شرایطی که در آن قرار گرفته و حضورش در دستگاه حکومتی هارون به او فرمود: خداوند متعال در کنار اولیای ستمگر، دوستانی دارد تا به وسیله آنان از دوستان خود حمایت کند و توای علی، یکی از آنان هستی.

(کشی، ج ۲، ص ۷۳۰)

امام کاظم(علیه السلام) به وی فرمود: یک چیز را تضمین کن تا سه چیز را برای تو تضمین کنم، علی پرسید: آنها کدامند؟ امام فرمود: سه چیزی که برای تو تضمین می کنم این است که: 1- هرگز با شمشیر (و به دست دشمن) کشته نشوی 2- هرگز تهدیدست نگردی. 3- هیچ وقت زندانی نشوی. و اما آنچه تو باید تضمین کنی این است که هر وقت یکی از شیعیان ما به تو مراجعه کرد، هر کاری و نیازی داشته باشد، انجام بدهی و برای او عزت و احترام قائل شوی. پسر یقطین قبول کرد، امام نیز شرائط بالا را تضمین نمود

(بحار 48 ص 136)

+

یحیی بن ام طویل در زمانه امام سجاد ع:

او برادر رضاعی امام سجاد ع و تربیت شده آن حضرت بود که در عهد مروانی به کوفه رفت و در بازنشر تشیع در کوفه در عهد مروانی تلاش بسیاری کرد و سرانجام در این راه توسط حجاج به شهادت رسید.

+

ابو خالد کابلی از اصحاب امام سجاد ع و جریان سازی برای تشیع در کوفه:

ابو خالد پس از تشیع و کسب معارف نزد امام سجاد ع به کوفه می رود. او در دوران حضور در کوفه موفق به جذب «ام اسود شیبانی دختر اعین» که خواهر زاراه و خواهر زُراه بن اعین، عبدالملک بن اعین، حمران بن اعین و بکیر بن اعین بود، به تشیع می شود. و بازتاب این توفیق، در نهایت توسط این خواهر 8 نفر از 10 برادرانش هم به تشیع روی می آورند. پس او اولین فرد از آل اعین بود که به واسطه ابو خالد کابلی شیعه شد و تشیع وی سبب شیعه شدن سایر افراد این خاندان گردید. او در ۱۵۳ق از دنیا رفت. ام اسود، کسی است که چشم‌های برادرش زاراه را هنگام فوت بست صاحب جامع الرواة و شهید ثانی او را از راویان حدیث از امام صادق (ع)

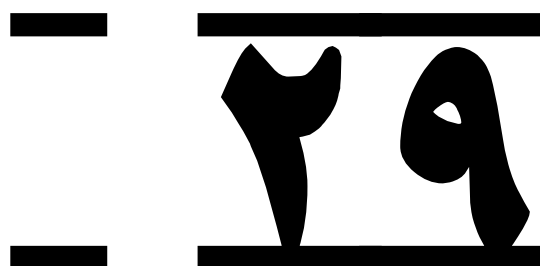
دانسته‌اند. (تنقیح المقال)

+

یک زن محور تشیع در بصره: خانه ماریه سعدیه عبدیه در بصره که محل تجمع مخفیانه شیعه در بصره بود و نامه سیدالشهدا برای دعوت قیام در آنجا خوانده شد و حداقل چهار نفر از آن جمع جزو شهدای کربلا شدند	
---	--

دعای ش 26 صحیفه			
دعای برای : شیعیان			
ش	دعا	ترجمه	موضوع
1	﴿1﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَتَوَلَّنِي فِي جِبْرَانِي وَ مَوَالِيَّ الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا ، وَ الْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ .	(1)خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و سرپرستی مرا، درباره همسایگان و دوستانم که به حق ما آگاه و با دشمنان ما در مخالفت و ستیزند، به برترین سرپرستی‌ات به عهده گیر.	درخواست توفیق خدمتگزاری برای شیعه
2	﴿2﴾ وَ وَفَّقْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ ، وَ الْاِخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ ، وَ عِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ ، وَ هِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ ، وَ مُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ ، وَ تَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ ، وَ كَيْتْمَانِ أَسْرَارِهِمْ ، وَ سَتْرِ عَوْرَاتِهِمْ ، وَ نَصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ ، وَ حُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ ، وَ الْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ وَ الْإِفْضَالِ ، وَ إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ	(2)و آنان را به این امور موفق دار: برپا داشتن روش و طریقه‌ات، فراگرفتن زیندگی کمالات و صفات برانده‌ات برای سود رساندن به ناتوانشان، جبران کردن تنگدستی‌شان، عیادت بیمارشان، هدایت کردن مسافرشان، خیرخواهی مشورت‌کنندگانشان و به عهده گرفتن امور واردین بر آنان، پنهان داشتن اسرارشان، پوشاندن عیوبشان، یاری دادن به ستم‌دیده‌هایشان و نیکو کمک کردن به آنان در مایحتاج زندگیشان، احسان به ایشان با مال و ثروت و بخشش فراوان، عطا کردن آنچه برای آنان لازم است پیش از درخواستشان.	چشم انداز مطلوب در جامعه شیعه
3	﴿3﴾ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزَى بِالْإِحْسَانِ مُسَيِّئِهِمْ ، وَ أَعْرِضْ بِالتَّجَاوُزِ عَنْ ظَالِمِهِمْ ، وَ اسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَّةِهِمْ ، وَ اتَوَلَّ بِالْبِرِّ عَامَّتَهُمْ ، وَ اغْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عِفَّةً ، وَ أَلِنْ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضَعاً ، وَ أَرْقُ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً ، وَ أَسِرْ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً ، وَ أَحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نَصْحاً ، وَ أَوْجِبْ لَهُمْ مَا أَوْجِبُ لِحِمَّتِي ، وَ أَرْعَى لَهُمْ مَا أَرْعَى لِخَاصَّتِي .	(3)خدایا! مرا چنان قرار ده که بدکارشان را به نیکی و خوبی پاداش دهی و از ستمکارشان با گذشت و چشم‌پوشی روی گردان شوم، درباره همه آنان خوش‌گمانی را به کار گیرم، همه آنان را با نیکوکاری سرپرستی کنم، عقیفانه چشم از خطایشان ببوشم، فروتنانه با آنان نرم باشم، مهربانانه بر بلادیده آنان رقت آورم، در پنهان دوستی خود را بر آنان ظاهر سازم، خیرخواهانه دوام نعمتشان را بخواهم؛ آنچه برای اقوام خود لازم می‌دانم؛ برای آنان لازم بدانم، آنچه برای مخصوصان خود رعایت می‌کنم، برای آنان رعایت کنم	نقش آفرینی من در جامعه شیعه برای ارتقای جایگاه آن

4	﴿4﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَارْزُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ ، وَاجْعَلْ لِي أَوْفَى الْحُظُوظِ فِيمَا عِنْدَهُمْ ، وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي ، وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِي حَتَّى يَسْعَدُوا بِي وَ أَسْعَدَ بِهِمْ ، أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ	(4)خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا هم از سوی ایشان، رفتاری به همین صورت نصیب کن؛ و کامل‌ترین بهره‌هایی که نزد ایشان است، برای من قرار ده؛ و بصیرتشان را در حق من و معرفتشان را به فضل من افزون کن تا به خاطر من نیک‌بخت شوند و من نیز به خاطر آنان نیک‌بخت شوم؛ پروردگار جهانیان! دعایم را مستجاب کن توفیق همگرایی بین من (در نقش خواص) و آنان، جهت رسیدن به یک تعامل و توفیق مشترک جهان شیعی
---	---	--



آسیب شناسی

مسیر موفقیت

(عوامل رحمت زدائی)

ش 29	
موضوع	متن
موضوع	آسیب شناسی مسیر موفقیت هشدارهای موفقیت (از قدر تا قدر با کمترین آسیب و ریزش)
متن دعا	برشماری آسیب های متنوع مسیر موفقیت و موانع آن: دعای 8 صحیفه: وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ وَ سَيِّئِ الْأَخْلَاقِ وَ مَذَامِّ الْأَفْعَالِ در این دعا اهتمام امام برای ماندن در مسیر بندگی و تکلیف بدور از آسیب ها و لغزش هاست لذا مواردی از این دعا که ناظر به آسیب شناسی پیوسته و تلنگر به سالک برایحفظ سلامت مسیر است عبارتند از: ﴿1﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ ، وَ غَلْبَةِ الْحَسَدِ ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ ، وَ قَلَّةِ الْقَنَاعَةِ ، ... ﴿2﴾ وَ مُتَابَعَةِ الْهَوَى ، وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى ، وَ سَنَةِ الْغَفْلَةِ ، وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ ، وَ إِثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ ، وَ الْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْثِمِ ، وَ اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ ، وَ اسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ. ﴿4﴾ أَوْ أَنْ نَعُصِدَ ظَالِمًا ، أَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفًا ، أَوْ نَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ ، أَوْ نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ ﴿5﴾ وَ نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشٍّ أَحَدٍ ، وَ أَنْ نُعْجِبَ بِأَعْمَالِنَا ، وَ نَمُدَّ فِي آمَالِنَا
آدرس	دعای 8 صحیفه سجادیه
ترجمه	(1)خدایا! به تو پناه می‌آورم از توفان حرص و تندگی و شدت خشم و چیرگی حسد و ناتوانی صبر و کمی قناعت و ناسازگاری اخلاق و پافشاری و سماجت شهوت و عادت و خوی هواداری لجوجانه. (2)و پیروی از هوای نفس و ناسازگاری و تجاوز از هدایت و خواب غفلت و انجام کار سخت و پرمشقت و برتری دادن باطل بر حق و پافشاری بر گناه و کوچک شمردن نافرمانی و گناه و سنگین دانستن طاعت.

(4) خدايا! به تو پناه می‌آوریم از این که ستمکاری را یاری کنیم، یا ستم دیده‌ای را تنها گذاریم، یا آنچه که برای ما حق نیست، بخواهیم؛ یا بدون آگاهی در امور علمی، سخن گوئیم. (5) و به تو پناه می‌آوریم از این که راه خیانت به کسی را بپیماییم و نسبت به کردارمان خودپسندی کنیم و آرزوهای خود را دور و دراز سازیم.	
مناسبت روز پایانی ماه مبارک رمضان (و ضرورت آمادگی برای ورود به متن زندگی روزمره با کمترین آسیب) مناسبت جنگ حنین و شکست اولیه مسلمانان در آن مانند جنگ احد (جنگی که به تصریح قرآن علت شکست اولیه مسلمانان در آن، عجب آنان به کثرت عددی خود بود. کثرت عددی بی کیفیت که ناشی از همراهی نومسلمانان طلقای مکی به طمع غنیمت همراه منافقین مدنی و ... بود: « لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقتْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ - توبه 25»	
دعای کمکی ﴿46﴾ وَ أَوْجِبْ لَنَا عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ ، وَ ابْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ ، فَإِذَا بَلَغْتَنَاهُ فَأَعِنَّا عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ ، وَ أَدِّنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّاعَةِ ، وَ أَجِرْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْعَمَلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرِ مِنْ شَهْوَرِ الدَّهْرِ . (دعای 45 = دعای وداع با ماه رمضان) (46) و عذر ما را در کوتاهی از ادای حَقِّت بپذیر و عمرهای ما را که پیش روی ماست، به ماه رمضان آینده برسان؛ و چون ما را به آن رساندی، بر انجام عبادتی که شایسته توسّ، یاریمان فرما؛ و به انجام طاعتی که سزاوار آن ماه است، برسان؛ و عمل شایسته‌ای که سبب تدارک حقّ توسّ، در آن دو ماه از ماه‌های روزگار، به دست ما جاری فرما .	
نکته امام در این دعا به 44 رفتار انسانی اشاره دارد که موجب هلاک و سقوط و دور شدن از موفقیت است. برخی از این موارد مستقیم به موضوع موانع موفقیت مربوط می شود (و برخی دیگر ناظر به مسئله گناه و معصیت است و برخی دیگر ...): 1- هیجان حرص 2- غضب 3- حسد 4- کم صبری 5- قناعت 6- سوءخلق 7- افراط در شهوت 8- تعصّب بی جا 9- پیروی از هوا 10- مخالفت با هدایت 11- خواب غفلت 12- مشقّت‌های بی‌جا 13- گزینش حق بر باطل 14- مداومت بر گناه 15- کوچک شمردن گناه 16- سختی و سنگینی در برابر طاعت 17- فخر فروشی ثروتمندان 18- خوار شمردن تهیدستان 19- بدرفتاری با زیردستان 20- ناسپاسی در برابر خوبی دیگران 21- یاری ستمگران 22- خوارکردن ستمدیدگان 23- طلب ناحق 24- از روی نادانی سخن گفتن 25- غشّ و خدعه 26- عجب در عمل 27- آرزوی دراز 28- بدی باطن 29- کوچک شمردن گناه صغیره 30- تسلّط شیطان 31- سختی‌های روزگار 32- ستمگری پادشاه 33- اسراف 34- نیافتن روزی 35- شماتت دشمنان 36- نیاز به مثل خود 37- زندگی در سختی 38- مرگ بدون توشه اخروی 39- تأسف و حسرت بزرگ 40- مصیبت اعظم 41- بدترین بدبختی 42- فرجام ناخوش 43- محرومیت از پاداش 44- افتادن در عقاب و عذاب قیامت.	
پرسش برای رسیدن به موفقیت جامع، آیا تنها امیدواری و مثبت اندیشی باید داشته باشیم؟ و یا اینکه در این مسیر، خوف و هشدار هم وجود دارد؟ چرا روانشناسی‌های موفقیت، برای انگیزه بخشی فقط بر مثبت اندیشی و امیدآفرینی توجه می شود!!! ولی در نگاه دینی، ترکیبی از خوف و رجاء به کار گرفته می شود؟	

هشدارهای پیش روی مسیر موفقیت چیست؟ و کدام موانع در برابر برنامه سالیانه از قدر تا قدر قرار دارد؟	
معرفی آسیب های پیش روی برنامه یکساله و هشدار دادن نسبت به آن و توجه دهی سالک طریق که با انس با عبادت و دعا در طول سال مانند ماه رمضان، به کنترل نفس خود بپردازد تا در مسیر موفقیت دچار ریزش و سقوط نگردد	هدف
در مجموعه انس با ادعیه صحیفه، بدنبال دستور العمل هایی برای کسب رحمت و محبت الهی بودیم تا بر اساس آن امکان رسیدن بهتر و مطمئن تر به موفقیت پیش روی ما قرار گیرد. در این مجموعه ابتدا با جلوه های رحمت الهی و فرصت های تغییر نگاه و سبک سازی مسیر آشنا شدیم و آنگاه در هفته ملکوتی و آسمانی قدر، برنامه های تقدیر و سرنوشت را شناخته و تمرین داشتیم. و در نهایت بر اساس این سیر و سلوک، زمینه ها و فرصت های اجتماعی نقش آفرینی معرفی شد. چون رحمت/محبت الهی در خلأ نازل نمی گردد و برای نزول رحمت باید حرکت و اقدامی هم از سوی ما صورت بگیرد. و آخرین مرحله از پازل موفقیت، تلاش برای نصرت اولیاء الله در بالاترین مرتبه در طول یکسال آینده و در یک روند فرایندی بود. این که در آخرین مرحله از این مسیر، یک هشدار مهم لازم است: یکسال پیش رو از این شب قدر تا شب قدر آینده، هم زمانی است قابل توجه و هم زمانی است که به سرعت خواهد گذشت. بدین جهت بر اساس الگوی تقسیم زمان که پیامبر اسلام ص به دخترش آموخت، باید برای این زمان بر اساس ساختار شبانه روز، برنامه ریزی داشت. هم برنامه ریزی تقسیم زمان ها به استراحت و کار و عبادت و خانواده و و هم زرنگی در متن این برنامه ها برای بهره وری حداکثری مانند انس پیوسته با ذکر تسبیحات یا با وضو بودن پیوسته یا برای این یکسال هم هر کس ناظر به سن و شغل و جنسیت و ...، باید هدف و افق مشخص یکساله زندگی (ناظر به هدف کلان زندگی) را تعریف کند. و آنگاه برای این افق یکساله، برنامه داشته باشد. برنامه ترکیبی از سعی و تلاش با توسل و توکل و دعا و عبادت و عبودیت، تا باین این سیکل ترکیبی؛ زمینه برای نزول بیشترین رحمت و محبت الهی در طول یکسال آینده فراهم شود. منتهی؛ هشدار: استفاده از نظام سیکل ترکیبی امکانات دنیوی به همراه امدادهای معنوی، می تواند در برخی از مراحل زندگی، موجب تسریع موفقیت های اولیه گردد. در این صورت ممکن است آدمی از این موفقیت های اولیه، دچار غرور و خودبینی (عُجب) بشود. و این خود بینی باعث شود که یا سطح و کمیت سعی و تلاش آدمی پایین بیاید و یا از ارزش کیفی آن بکاهد. و در هر صورت آدمی به جای رشد فرایندی، وارد چرخه تکرار در عمل شود.	انگیزه سازی

هشدار دیگر: این که برنامه طراحی طی مسیر موفقیت به عنوان برنامه های گام به گام یکساله، ممکن است به علت ضعف در معنویت و عبودیت، موجب خستگی تدریجی آدمی شده و این خستگی او را بتدریج از ادامه مسیر با قدرت و قوت اولیه بازدارد. پس آدمی با دو هشدار در مسیر موفقیت روبرو است: - هشدار افت کمی و ظاهری و عددی و اماری عمل = کسالت و تنبلی و خستگی و روزمرگی و ... پ - هشدار افت کیفی عمل = از جهت نابودسازی ساحت معنوی عمل و تهی سازی آن از درون و هر دوی این عوارض باعث سدّ راه موفقیت می شود. و سدّ راه موفقیت یعنی دور شدن از رحمت و محبت الهی با وجود نمایش ظاهری در مسیر بود!!!!	
زمان امری رو به جلو است. زمان نه توقف دارد و نه کند می شود و نه حتی سریعتر می شود. ولی بر بستر چرخش شبانه روز فرصت های زمانی متوالی برای مآفریده می شوند و در اختیار ما قرار می گیرند. در این روند و فایند زمانی، چون ما تنها موجود انسانی نیستیم، مجموعه ای عوامل مشغول اثرگذاری پیوسته هستند: - خدایی که مشغول فیض پیوسته و رو به جلو هست. - امام زمانی که پیوسته در حال راهبری کلان عالم هست. - شیطان که پیوسته در حال مانع تراشی است - دامنه متنوع نظام ها و جریانات باطل که متکی بر امکانات دنیوی خود، در حال رشد و توسعه فراگیر هستند پس نظام هستی پیوسته حرکتی رو به جلو دارد. و تابعی از رفتار من نیست. البته رفتار من می تواند یک پازل مثبت یا منفی باشد ولی همیشه تابعی از جریانات مسلط بر جهان هستی است. در این صورت: اگر در فرایند یکساله آینده به هر دلیلی دچار افت کمی و یا کیفی عملکرد ویم، این امر باعث لطمه ای مهم به جبهه حق خواهد شد. چون جبهه حق همیشه در افلیت کمی و عددی و آماري بوده است و به هر میزان در یکی از اعضا و افراد دچار نقص و مشکل شود، به همان میزان اصل جریان حق دچار مشکل خواهد شد. بدین جهت است مراقبت کمی و کیفی از برنامه ها یکی از اصول مهم در راه موفقیت است.	متقاعد سازی و اقناع
در فرهنگ دعاهاى معصومین مجموعه ای متنوع از آسیب ها در مسیر موفقیت مورد توجه قرار گرفته و بر اساس آنها حتی در قالب دعا، آدمی موظف به آسیب شناسی، به روز رسانی، و تست سلامت مسیر در حال اجرا است.	رفتار سازی

در این فرهنگ، با انس با ادعیه ضمانتی و بیمه ساز، آدمی پیوسته مراقب حال خویش و احوال خویشان می گردد. بدینگونه که به جای تمرکز نگاه بر خروجی ها و عملکردهای فردی که می تواند غرور آفرین باشد، نگاه تلنگر زننده جایگزین نگاه بزرگنمایی می شود. بدین معنا که: وقتی کاری مهم و بزرگ از ما انجام شود، بر اساس قانون شیفتگی به عملکرد و خروجی های انسانی، آدمی ممکن است گرفتار لذت عمل و تعریف و تمجید عمل شده، آن عمل را از خود چنان بزرگ ببیند که در این بزرگ بینی و بزرگنمایی متوقف شود. و بر اساس این بزرگنمایی برای خود درخواست اعتبار و جایگاه و مقامات توهمی کند!! و حتی بر اساس یک عمل بزرگ، دچار توقف در آن شده و از استمرار عمل غافل شود!!! راه درمان در این موارد: تذکر دادن پیوسته، خط جاری زمان، جریان تند زایش نیازهای جبهه حق و جریان گسترده و کمی و عددی و اماری توسعه باطل و ... است. اگر آدمی پیوسته وسعت نیاز و گستردگی تولید جبهه باطل و مقابل را متوجه باشد، در این صورت دیگر دچار بزرگنمایی در عمل نمی شود. بلکه عمل انجام شده را یک امر زمانی تمام شده دیده که باید با زایش جدید استمرار یابد. و در این صورت است که آدمی: به جای توقف در زمان، وارد یک زایش پیوسته با نگاه پیوسته به دامنه نیازها و گستره زایش جریان های رقیب خواهد شد.	
در فرهنگ ادعیه، خصوصا ادعیه مهدوی، که اصول آن هم در ادعیه صحیفه معرفی شد، آدمی در سبک زندگی دینی باید در «اتصال لحظه به لحظه و پیوسته» و «سعی مدام» و «زایش روزآمد» باشد. تا دچار تقدم یا تأخر نسبت به زمان و امام زمان و ... نشود. در این برنامه: آدمی با در نظر گرفتن مسئله زمان و حق و باطل زمانی، دیگر حق ندارد دچار «تنبلی و کسالت و خستگی و بهانه گیری و یا برشماری خاطرات و موفقیت های پیشین و بزرگنمایی عملکردهای در زمان» باشد. بلکه: با گذر از هر عمل انجام شده و کوچک انگاری آن در درون خود، وارد عمل و برنامه بعدی شده و سعی کند عمل بعدی نسبت به قبلی، ارتقای نسبی کمی و کیفی داشته باشد. این ضرورت هوشیاری نسبت به مبتلا نشدن به آسیب های عمل و ضرورت به روز رسانی برنامه عملیاتی از جهت اخلاقی و برنامه ای و ...، یکی از دغدغه های اصلی در دعاهای صحیفه است.	جمع بندی
سوال: در برنامه های موفقیت در روانشناسی های معاصر، بر «اعتماد به نفس» و خود بزرگ بینی و مانور بر روی موفقیت ها و بزرگنمایی آنها توجه ویژه می شود، ولی در فرهنگ دینی و ادعیه امام	پاسخ به شبهه

سجاد ع این وضعیت و رویکرد به چشم نمی خورد؟! و بلکه بیشتر نگاه هشدار یو و انتقادی هست!! چرا؟؟؟ ج: در روانشناسی های معاصر و زرد، موفقیت به معنی رسیدن به بالاترین مرتبه از ثروت و شهرت فردی است!!! و حتی نگاه انسان دوستی هم برای ایجاد حال خوش انسانی است تا بر بستر آن امکان تلاش بیشتر برای کسب ثروت بیشتر فراهم شود. لذا موفقیت رویکردی تماماً مادی و زمینی و فردی و ... می یابد و ارزش های انسانی و اخلاقی هم در آن، سمت و سوی مادیت پیدا می کند. ولی در نگاه فطری و مکتب اهل بیت، انسان باید نگاه جامع به جهان هستی و جهان انسانیت و حتی ساحت های چند لایه وجودی خود داشته باشد. و موفقیت را یک امری چند لایه و متعالی و فرافردی ببیند. موفقیت در این نگاه یک مسیر دشوار و آکنده با وسوسه ها و دشمنی ها و مشکلات و بادهای مخالف فراوان است که ماندن در مسیر آن، نیازمند تزریق پیوسته انرژی و و روحیه است. و نکته دیگر این که اصولاً موفقیت در این نگاه، رسیدن به مقصد نیست. چون مقصد در این مسیر یک مقصد کلان انسانی است که ما تنها پازل کوچکی از آن هستیم. و در این صورت مقصد: مقصد، در مسیر بودن است!!! یعنی همین که آدمی در طول یکسال در مسیر باشد و دچار ریزش نشود و دچار تقدم و تاخر نسبت به راهبر زمانه نشود و از جریان های همسوی باطل عقب نیفتد، و ...؛ این خودش موفقیت است. لذا موفقیت در زندگی دینی، هیچگاه نه بازنشستگی دارد و نه خط پایان رسیدن دارد، بلکه تا نفس هست و حیات هست، به مقدار توان و اعتبار و ...، باید سعی و تلاش باشد آن هم سعی و تلاشی که باید روندی رو به رشد داشته باشد. و در هر مرحله از موفقیت به جای نگاه به آن موفقیت باید به مسیر پیش رو و برنامه های باقیمانده نگریست و بدین جهت است که مراقبت از حفظ مسیر و مراقبت از حفظ نشاط و مراقبت از لغزش ها، باید برنامه هر روز مومن در طول زندگی دینی باشد.	
«قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا». بگو: آیا به شما خبر دهیم که زیان کارترین (مردم) در کارها، چه کسانی هستند؟ * آن ها که تلاش هایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده باین حال، می پندارند کار نیک انجام می دهند.	آیات (تفسیر قرآنی)

ملک 2 =	آیات جزء 29
آسیب عجب و غرور و تکبر در برابر مسیر موفقیت: ﴿4﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ لَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا ، وَ لَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا . (دعای 20) (4)خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و درجه و مرتبه مرا نزد مردم بلند مکن، مگر آن که به همان اندازه نزد خودم پست گردانی؛ و عزت آشکاری برایم ایجاد مکن، مگر آن که به همان اندازه، خواری باطنی برایم ایجاد کنی . + دعای آسان سازی راه موفقیت: ﴿28﴾ اللَّهُمَّ اخْتِمْ بَعْفُوكَ أَجَلِي ، وَ حَقِّقْ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي ، وَ سَهِّلْ إِلَيَّ بُلُوغَ رِضَاكَ سُبُلِي ، وَ حَسِّنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي عَمَلِي . (دعای 20) (28)خدایا! مدت عمرم را به عفو و بخششت پایان ده و آرزویم را در امید به رحمت تحقق ده و راههایم را برای رسیدن به خشنودیات هموار ساز و در تمام احوال، کردارم را نیکو گردان . + رضایت به قضا و قدرت به ما عطا کن تا پیوسته در مسیر موفقیت باشیم: ﴿5﴾ وَ أَلْهَمْنَا الْإِنْقِيَادَ لِمَا أَوْرَدْتَ عَلَيْنَا مِنْ مَشِيَّتِكَ حَتَّى لَا نُحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ ، وَ لَا تَعْجِلَ مَا أَخَّرْتَ ، وَ لَا نَكْرَهَ مَا أَحْبَبْتَ ، وَ لَا نَتَخَيَّرَ مَا كَرِهْتَ . (دعای 33) (5)و گردن نهادن آنچه از مشیت و ارادهات بر ما وارد کردی، به ما الهام کن؛ تا عقب انداختن آنچه را پیش انداختی و پیش انداختن آنچه را عقب انداختی، دوست نداشته باشیم و هر آنچه را دوست داری ناپسند نشماریم؛ و آنچه را ناپسند داشتی، انتخاب نکنیم . + دعای ثبات قدم در مسیر موفقیت در طول زندگی: ﴿3﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ طَيِّبْ بِقَضَائِكَ نَفْسِي ، وَ وَسَّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي ، وَ هَبْ لِي الثَّقَةَ لِأَقِرَّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرَةِ ، وَ اجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا خَوَّلْتَنِي (دعای 35) (3)خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به مقررات دل خوش کن و سینه‌ام را به موارد فرمانت گشاده فرما و به من حالت اعتماد و اطمینان بخش؛ تا به وسیله آن اقرار کنم که مقررات تو، جز به آنچه خیر است روان نشده؛ و شکرم را برای	ادعیه کمکی از صحیفه (تفسیر دعا به دعا)

حضرت نسبت به آنچه از من دور داشتی و عطایش را دریغ کردی، از شکر من آنچه به من عنایت فرمودی، افزون تر قرار ده .

+

ضرورت مراقبت از رها شدگی در مسیر موفقیت:

﴿113﴾ وَ أَيْدِي بِنُوفَيْكَ وَ تَسْدِيدِكَ ، وَ أَعْنَى عَلَى صَالِحِ النَّيَّةِ ، وَ مَرْضَى الْقَوْلِ ، وَ مُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ ، وَ لَا تَكْلُنِي إِلَى حَوْلِي وَ قُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ (دعای 47 = دعای عرفه)

(113) و به توفیق و راهنمایی‌ات حمایتم فرما و بر نیت شایسته و گفتار پسندیده و عمل نیک یاری‌ام ده و مرا بدون قدرت و توانایی‌ات، به قدرت و توانایی‌ام وامگذار .

از عوامل موفقیت، مدیریت واکنش‌ها و احساسات اجتماعی و درونی است (تفکیک نگرش درونی از قضاوت اجتماعی):

﴿118﴾ وَ ذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَ أَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ ، وَ ضَعَّنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ ، وَ أَرْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ ، وَ أَعْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي ، وَ زِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَ فَقْرًا . (118) و مرا پیش رویت ذلیل و نزد بندگان عزیز کن . هنگامی که با تو خلوت می‌کنم، حقیر و پستم کن؛ ولی در میان بندگان بلندمرتبه‌ام فرما. از آن که از من بی‌نیاز است بی‌نیازم کن و بر نداری و تهیدستی‌ام در پیشگاه خود بیافزا .

+

هشدار به خطر سقوط در مسیر زندگی

﴿124﴾ وَ لَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِهَا ، وَ لَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينَ ، وَ لَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَطَ ، وَ لَا نَكَالًا لِمَنْ اُعْتَبَرَ ، وَ لَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ ، وَ لَا تَمْكُرْ بِي فِيمَنْ تَمْكُرُ بِهِ ، وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي ، وَ لَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا ، وَ لَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا ، وَ لَا تَتَّخِذْنِي هُزُوءًا لِيَخْلُقَكَ ، وَ لَا سَخْرِيًّا لَكَ ، وَ لَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ ، وَ لَا مُمْتَهِنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ . (دعای 47)

(124) و مرا تا زمان مرگم در سرکشی‌ام سرگردان و در گرداب نادانی‌ام بی‌خبر وامگذار؛ و بر اثر خلاف‌کاری‌ها، مایهٔ پند برای کسی که پند پذیرد و عبرت برای کسی که عبرت گیرد و سبب فتنه و آزمایش برای کسی که دقت کند، قرار مده؛ و مرا در زمرهٔ کسانی که به‌خاطر مکرشان کیفر می‌کنی، کیفر مکن؛ و در ایمان و عمل، دیگری را به جای من انتخاب مکن؛ و نامم را از دفتر سعادت‌مندان تغییر مده و بدنم را دگرگون مساز و مرا مورد استهزاء بندگان و مسخرهٔ خود قرار مده؛ و مرا جز برای دنبال کردن خشنودیات و انتقام گرفتن از دشمنانت، به خدمت مگیر .

+

در صورت رخداد خطا در مسیر موفقیت، ضرورت اصلاح مسیر با شرط عدم بازگشت به خطا:

﴿16﴾ وَ لَكَ يَا رَبِّ شَرْطِي إِلَّا أَعُودَ فِي مَكْرُوهِكَ ، وَ ضَمَانِي أَنْ لَا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ ، وَ عَهْدِي أَنْ أَهْجَرَ جَمِيعَ مَعَاصِيكَ .

(دعای 31)

(16) ای پروردگار! من هم در برابر این همه عنایات تو تعهد و شرطم این است که به آنچه پسند تو نیست بازنیایم و ضمانتم این است که به آنچه مورد نکوهش توست بازنگردم و پیمانم این است که از تمام گناهانت دوری کنم .

+

دعا برای کسب توفیق در مسیر زندگی:

(13) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّفْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَاعْلَى وَرَضْنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمِنِّي، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمُ.

(دعای 14)

(13) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا به پذیرفتن هر سود و زبانی که برایم مقرر کرده‌ای موفق دار و مرا به آنچه از دیگری برای من و از من برای دیگری می‌ستانی، خشنود ساز؛ و به راست‌ترین راه هدایتم کن و به سالم‌ترین برنامه به کارم گمار .

+

اللَّهُمَّ وَانْطِقْنِي بِالْهَدْيِ، وَاهْمِنِي التَّقْوَى، وَوَقِّفْنِي لِلَّتِي هِيَ أَزْكَى، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى.

(دعای 20)

بار خدایا مرا به هدایت و راهنمایی (بدین حق) گویا فرما، و پرهیزکاری را به من الهام نما (در دل من انداز) و به روشی که پاکیزه‌تر (بهترین روشها) است توفیقم ده، و به کاری که (نزد تو) پسندیده‌تر است بگمارم

+

دعا برای نجات از حیرت در مسیر موفقیت:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْرَأْ عَنِّي بِلُطْفِكَ، وَاغْذِنِي بِبِنِعْمَتِكَ، وَأَصْلِحْ لِي بَكْرَمِكَ، وَدَاوِنِي بِصُنْعِكَ، وَأَظْلِنِي فِي ذِرَاكَ، وَجَلِّلْنِي رِضَاكَ، وَوَقِّفْنِي إِذَا اشْتَكَتُ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاها، وَإِذَا تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا، وَإِذَا تَنَاقَضَتْ الْمَلَلُ لِأَرْضَاهَا.

+

ضرورت نگاه جامع به برنامه موفقیت بین مقدرات خود، تکالیف الهی و حقوق اجتماعی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا أَلْزَمْتَنِيهِ وَفَرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مِنْ وَجْهِ طَاعَتِكَ أَوْ لَخَلْقٍ مِنْ خَلْقِكَ وَإِنْ ضَعُفَ عَنْ ذَلِكَ بَدَنِي، وَهَنَتْ عَنْهُ قُوَّتِي، وَلَمْ تَنْلَهُ مَقْدَرَتِي، وَلَمْ يَسْغُهُ مَالِي وَلَا ذَاتُ يَدِي، ذَكَرْتَهُ أَوْ نَسِيْتَهُ.

(دعای 22)

بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا به انجام آنچه که در جهتی از جهات برای خود یا برای آفریده‌ای از آفریدگانت بر من لازم و واجب گردانیده‌ای توفیق ده اگر چه بدنم از بجا آوردنش ناتوان و نیروییم از آن سستی ورزد، و تواناییم به آن نرسد، و دارایی و سرمایه‌ام گنجایش آن را نداشته باشد، خواه آن را به یاد داشته یا فراموش کرده باشم

+

سند چشم انداز موفقیت تا بی نهایت: فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلْمًا أُعْرِجُ بِهِ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ أَمَنْ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (دعای 49) پس -ای خدای من- از رحمت و مهربانی و همیشگی توفیق و راهنمایی خود به من ببخش آنچه که آن را نردبان قرار دهم که به وسیله‌ی آن به سوی خشنودیت بالا روم (آن را به دست آورم) و از عقاب و کيفرت ایمن گردم، ای مهربانترین مهربانان. + دعای ثبات قدم در مسیر موفقیت: فَإَيِّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَدِّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ، وَ أَعِمِّ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ، وَ لَا تَجْعَلْ لَشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوذًا فِي مَعْصِيَتِكَ. (دعای 9) پس ما را به توفیق (جور شدن اسباب کار از جانب) خود کمک کن، و به راه راست خود راهنماییان فرما، و دیده‌ی دلهامان را از آنچه خلاف دوستی تو است کور گردان، و اندامی از اندامهای ما را در معصیت و نافرمانیت فرومبر (ما را توفیق ده که آنچه نهی کرده‌ای در اندیشه نگذرانیم و گرد معاصی نرویم و رضای تو را به دست آوریم	
دعای ابو حمزه: وَ أَرْغِدْ عَيْشِي، وَأَظْهِرْ مُرُوتِي، وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلَتْ عُمُرَهُ، وَحَسَنْتَ عَمَلَهُ، وَاتَّمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، وَرَضِيتَ عَنْهُ، وَأَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ، وَأَسْبَغَ الْكَرَامَةِ، وَأَتَمَّ الْعَيْشِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ؛ + اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ، وَ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعٍ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ دعای در زمان غیبت :	دعای غیر صحیفه

فَقَوَّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ، حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوُسْطَى، وَقَوَّنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَثَبَّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزِّهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا،	
احادیث امام صادق (علیه الصلاة و السلام) فرمودند: ابلیس (علیه اللعنة) به لشکر خود گفت: اگر در سه چیز به فرزندان آدم مسلط شوم، دیگر خیال من راحت می شود: «لَمْ أَبَالِ مَا عَمِلَ» دیگر برای من مهم نیست که او می خواهد چه کاری انجام دهد. هر قدر می خواهد حج برود، هر قدر می خواهد جهاد برود، هر قدر می خواهد علم ببندد، هر قدر می خواهد سحر خیزی کند، هر قدر می خواهد مجالس روضه بگیرد، دیگر برای من مهم نیست. امام صادق (علیه السلام) این قدر واضح پشت این پرده را به ما نشان می دهد. سرّ آن چیست؟ ابلیس گفت: «فَإِنَّهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ» هر کاری می خواهد بکند، از او نمی پذیرند. آن سه چیز عبارتند از: الف) «إِذَا اسْتَكْثَرَ عَمَلُهُ» عمل خود را زیاد ببیند. به اصطلاح به چشم او بیاید. ب) «وَوَسِيَ ذَنْبَهُ» گناه خود را فراموش کند. ج) «وَوَدَّخَلَهُ الْعُجْبُ» عجب به فکر و شخصیت او وارد شود.	
از سیره اهلبیت مواجهه انتقادی امامان شیعه با مدعیان تصوف یا علم و ... از علمای اهل سنت با تاکید بر امام سجاد تا امام صادق ع (چون در این مقطع مرزبندی شیعی آشکار هنوز شکل نگرفته بود و علمای عامه سعی می کردند با بزرگنمایی خود، خود را صاحب لحنه و جایگاه معرفی کنند. مواردی مانند مواجهه امام سجاد ع با حسن بصری و یا امام صادق ع با عنوان بصری و + امام شیعه و سرزنش برخی از اصحاب ناشی از اعمالی که از آنان به ایشان عرضه شده بود و استمرار آن می توانست سدّ راه تعالی و کمال آنها باشد (مانند یکی از آنها که در مسیر سفر حج با همراه خود دعوا و مشاجره کرده بود). + حنان بن سدير می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودیم. در این میان ابوالصّباح به حضرت گفت: ما از مخالفان، به خاطر شما، بسیار زخم زبان و اهانت را تحمّل می کنیم. امام گویا با شگفتی به ابوالصّباح رو کرد و فرمود: شما از مردمی که با من ارتباط دارند، چه می شنوید؟	

گفت: هنگامی که بین یکی از شیعیان و یکی از مخالفان بگو مگویی رخ می دهد، آنها می گویند: شما جعفری های بدی هستید. امام فرمود: به نام من شما را سرزنش می کنند؟ ابوالصّباح گفت: بله! امام در پاسخ او فرمود: «ما اقلّ و الله من يتبع جعفرًا منكم. انما اصحابي من اشدّ ورعه و عمل لخالقه و رجا ثوابه فهُؤلاء اصحابي 15؛ به خدا قسم بسیار کم اند آنانی که پیرو جعفر باشند! همانا شیعه من دارای این نشانه ها هستند: بسیار با ورع و باتقوایند و فقط برای خدا، کار و عبادت انجام می دهند. و فقط از خدا، امید ثواب و پاداش دارند. آری، اینان پیروان من هستند.»	
مواجهه امام سجاد ع با شبلی: امام زین العابدین (ع) در بازگشت از سفر حج به شبلی فرمودند: حج به جا آورده ای شبلی؟ شبلی عرض کرد، بله یابن رسول الله (ص). امام (ع) فرمودند: آیا در میقات فرود آمدی، جامه های دوخته از تن کنده ای و غسل نمودی؟ شبلی عرض کرد: بله! امام فرمودند: آیا در آن موقع نیت آن داشتی که لباس گناه از تن خود خلع کرده و جامه طاعت می پوشی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام (ع) فرمودند: آیا به هنگام برهنه شدن از لباس دوخته ات توجه به این معنی داشتی که از ریا و نفاق و ورود در کارهای شبهه ناک دور شده و بر کنار می گردی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام (ع) فرمودند: بنابراین نه در میقات فرود آمده ای و نه از لباس دوخته مجرد گشته ای و نه غسل نموده ای! سپس امام (ع) فرمودند: آیا خود را از کثافات بدن تنظیف نمودی و موهای زائد را از بدن زدودی؟ آنگاه لباس احرام پوشیده و پیمان حج بستی؟ شبلی عرض کرد: آری! امام فرمودند: آیا همزمان با تنظیف بدن این چنین نیت کردی که با داروی توبه خالص کثافات گناه را از قلب و جانت بزدائی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام (ع) فرمودند: آیا موقع محرم شدن متوجه این معنی بودی که تمام آنچه را که خداوند حرام کرده بر خود تحریم نمایی و دیگر هرگز پیرامون آن نگردی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام (ع) فرمودند: آیا به هنگام عقد الحج و بستن پیمان حج بر این نیت بودی که هرگونه عهد و قرار داد با غیر خدا را (که برخلاف رضای خداست) منحل کرده و زیر پا نهادی و تنها با خدا عقد عبودیت و بندگی بستی؟ شبلی عرض کرد: خیر! امام (ع) فرمودند: پس با نداشتن چنین قصدی در حقیقت نه تنظیف نموده ای و نه مُحرم شده و نه پیمان حج بسته ای! امام (ع) فرمودند: آیا موقع ذبح قربانی نیت این بود که با تمسک به حقیقت پرهیز و ورع حنجره طمع را بریدی و از سنت ابراهیم (ع) پیروی نمودی که با ذبح فرزند و میوه قلب خود سنت بندگی با اخلاص و تقرب به درگاه	حکایات

خداوند را برای آیندگان بعد از خویش پایه گذاری نمود و معنای واقعی توحید، رضا و تسلیم را به دنیا نشان داد؟ شبلی گفت: خیر! امام (ع) فرمود: آیا بعد از اینکه از منا به مکه مراجعت کرده ای و به طواف بیت پرداختی متذکر این معنی بودی که اکنون با بهره کافی از رحمت خداوند به محیط اطاعت و بندگی وارد شدی و دست بر دامن حب خداوند زده ای، وظائف واجب بندگی را به پایان رسانده و در مقام قرب خداوند منزل گرفته ای؟ شبلی عرض کرد: خیر!

در این موقع امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: پس بنابراین تو نه به منا رفته ای و نه رمی جمرات نموده ای، نه سر تراشیده ای و نه قربانی کشته ای... نه نماز در مسجد خیف خوانده ای و نه طواف بیت انجام داده ای! و بالاخره به مقام قرب خداوند نرسیده ای .. بر گرد؛ چه آنکه تو حج بجا نیاورده ای!

+

+

گفتگوی امام سجاد ع با حسن بصری:

روزی حسن بصری در برابر انبوهی از جمعیت در سرزمین منی مشغول وعظ و سخنرانی بود، امام چهارم از آنجا عبور می کرد، وقتی که منظره این سخنرانی را دید کمی ایستاد و به او فرمود: مقداری سکوت کن.

امام: کردار خودت، بین خود و خدا، طوری هست که اگر فردا مرگ به سراغ تو آید، از عمل خود راضی باشی؟ :-نه.

امام: تصمیم داری کردار کنونی خود را ترک کنی، و کرداری پیش گیری که برای مرگ موردپسند باشد؟ حسن بصری کمی سرش را پائین انداخت، سپس سر برداشت و گفت با زبان می گویم تصمیم دارم ولی بدون حقیقت.

امام: آیا امید داری که پیامبری پس از محمد، بیاید «و تو با پیروی او سعادتمند شوی»؟ :-نه.

امام: آیا امید داری که جهان دیگری وجود داشته باشد، که در آنجا به مسئولیتهای خود عمل کنی؟ :-نه.

امام: آیا کسی را دیده ای که با داشتن کمترین شعور، حال تو را برای خویش به پسندد؟ تو با اعتراف خودت در حالی به سر میبری که از آن راضی نیستی، و تصمیم انتقال از این حال را هم نداری، و به پیامبری دیگر، و جهانی جز این جهان برای عمل، امیدوار نیستی، آن وقت با این وضع اسف انگیز که خودداری مشغول وعظ و نصیحت دیگرانی؟

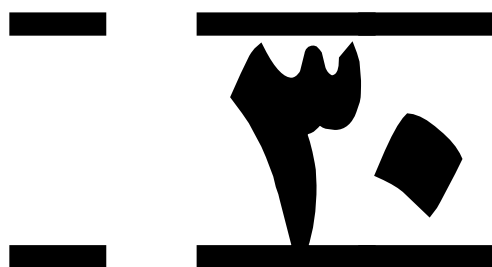
منطق نیرومند امام چنان این سخنور زبردست را کوبید، که دیگر نتوانست چیزی بگوید، همین که امام از آنها دور شد، حسن بصری پرسید: این که بود؟

گفتند: این علی بن الحسین (ع) بود.

حسن بصری: حقاً او از خاندان علم و دانش است. پس از این رسوائی، دیگر ندیدند که حسن بصری مردم را موعظه کند . (بحارالانوار ج 10، ص 146)	
--	--

دعای ش 8 صحیفه			
دعای برای : پناه بردن به خدا در شرایط سخت و دشوار			
ش	دعا	ترجمه	موضوع
1	اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْجُرُصِ ، وَ سَوَرَةِ الْغَضَبِ ، وَ غَلَبَةِ الْحَسَدِ ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ ، وَ قِلَّةِ الْقَنَاعَةِ ، وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ ، وَ إِحْاحِ الشَّهْوَةِ ، وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ	خدایا! به تو پناه می‌آورم از توفان حرص و تندی و شدت خشم و چیرگی حسد و ناتوانی صبر و کمی قناعت و ناسازگاری اخلاق و پافشاری و سماجت شهوت و عادت و خوی هواداری لجوجانه.	صفات اخلاقی منفی که سد راه موفقیت می شود
2	وَ مُتَابَعَةِ الْهَوَى ، وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى ، وَ سِنَةِ الْعَقْلِ ، وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ ، وَ إِثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ ، وَ الْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْثَمِ ، وَ اسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ ، وَ اسْتِغْبَارِ الطَّاعَةِ.	و پیروی از هوای نفس و ناسازگاری و تجاوز از هدایت و خواب غفلت و انجام کار سخت و پرمشقت و برتری دادن باطل بر حق و پافشاری بر گناه و کوچک شمردن نافرمانی و گناه و سنگین دانستن طاعت.	نقش گناهان در دورسازی آدمی از هدایت و موفقیت
3	وَ مُبَاهَاةِ الْمُكْثَرِينَ ، وَ الْإِزْرَاءِ بِالْمُقَلِّينَ ، وَ سُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا ، وَ تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا	و فخرفروشی ثروتمندان و تحقیر تهی‌دستان و بدی سرپرستی نسبت به زیردستان و ترک سپاس نسبت به کسی که به ما احسان و خوبی کرده.	اخلاق اجتماعی ناپسند و بازتاب تکوینی آنها در ناکامی ها
4	أَوْ أَنْ نَعُودَ ظَالِمًا ، أَوْ نَخْذَلَ مَلْهُوفًا ، أَوْ نَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ ، أَوْ نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بَعْضَ عِلْمٍ	خدایا! به تو پناه می‌آوریم از این که ستمکاری را یاری کنیم، یا ستم دیده‌ای را تنها گذاریم، یا آنچه که برای ما حق نیست، بخواهیم؛ یا بدون آگاهی در امور علمی، سخن گوئیم.	همکاری در ظلم اجتماعی و بارتاب آن در ناکامی من
5	وَ نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشٍّ أَحَدٍ ، وَ أَنْ نُغَيِّبَ بِأَعْمَالِنَا ، وَ نَمُدَّ فِي أَمَانِنَا	و به تو پناه می‌آوریم از این که راه خیانت به کسی را ببیماییم و نسبت به کردارمان خودپسندی کنیم و آرزوهای خود را دور و دراز سازیم.	خودپسندی و خودبرتربینی
6	وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ ، وَ اخْتِفَارِ الصَّغِيرَةِ ، وَ أَنْ يَسْتَحُوذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ ، أَوْ يَنْكَبْنَا الزَّمَانُ ، أَوْ يَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ	و به تو پناه می‌آوریم، از بدی باطن و ناچیز شمردن گناه کوچک و این‌که شیطان بر ما چیره شود، یا روزگار ما را به عرصه بلا و نکبت اندازد، یا پادشاه بر ما جور و ستم روا دارد.	ایجاد شرایط نفوذ شیاطن جن و انس

7	و نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَتَاوُلِ الْإِسْرَافِ ، وَ مِنْ فِقْدَانِ الْكَفَافِ	و به تو پناه می‌آوریم، از رسیدن به اسراف و از دست دادن آنچه که در زندگی به اندازه و کافی است.	انحراف اقتصادی
8	و نَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ ، وَ مِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ ، وَ مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ ، وَ مِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ.	و به تو پناه می‌آوریم از سرزنش دشمنان و از نیاز به هم نوعان و از امرار معیشت در سختی و از مرگ بدون توشه.	گرفتار ذلت اجتماعی شدن
9	خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا و تمام مؤمنین و مؤمنات را به رحمتت از همه این امور زشت پناه ده، ای مهربان‌ترین مهربانان!	و به تو پناه می‌آوریم از حسرت عظیم‌تر و بلای بزرگ‌تر و بدترین بدبختی و بدی بازگشت و محرومیت از ثواب و فرود آمدن کیفر.	وصل شدن بدبختی دنیوی به بدبختی های اخروی
10	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ أَعِزِّي مِنْ كُلِّ ذَلِكِ بِرَحْمَتِكَ وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.	خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا و تمام مؤمنین و مؤمنات را به رحمتت از همه این امور زشت پناه ده، ای مهربان‌ترین مهربانان!	دعای جامع نجات از بدبختی در مسیر موفقیت



عید رحمت

ش 30	
موضوع	متن
موضوع	عید معنوی و آسمانی = رحمت واسعه
متن دعا	﴿48﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْبُرْ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا ، وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا ، وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْنَا أَجْلِبَهُ لِعَفْوٍ ، وَامْحَاهُ لِدُنْبٍ ، وَاغْفِرْ لَنَا مَا خَفِيَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَمَا عَلَنَ .
آدرس	دعای 45 = دعای وداع با ماه رمضان
ترجمه	(48) خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مصیبت از دست رفتن رمضانمان را جبران کن و روز عید و فطرمان را بر ما مبارک فرما و آن را از بهترین روزهایی که بر ما گذشته قرار ده، جلب کننده ترین روز نسبت به بخشش و محو کننده ترین زمان برای گناه؛ و معاصی پنهان و آشکارمان را بیامرز.
نکته	حال پارادوکسیکال (متناقض) روزه دار در روز عید فطر: - مصیبت = از دست دادن ماه رمضان و برکت های آن. = وَاجْبُرْ مُصِيبَتَنَا بِشَهْرِنَا - برکت جوئی و شادمانی = عید فطر - وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا وَفِطْرِنَا
مناسبت	30 ماه رمضان عید سعید فطر
دعای کمکی	وَقَدْ أَقَامَ فِينَا هَذَا الشَّهْرُ مَقَامَ حَمْدٍ ، وَصَحَبَنَا صُحْبَةً مَبْرُورٍ ، وَارْبَحْنَا أَفْضَلَ أَرْبَاحِ الْعَالَمِينَ ، ثُمَّ قَدْ فَارَقْنَا عِنْدَ تَمَامِ وَقْتِهِ ، وَانْقِطَاعِ مُدَّتِهِ ، وَوَفَاءِ عِدَّتِهِ: فَنَحْنُ مُودَعُوهُ وَدَاعٌ مِنْ عَزِّ فِرَاقِهِ عَلَيْنَا ، وَغَمًّا وَأَوْحَشْنَا انْصِرَافَهُ عَنَّا ، وَلَزِمْنَا لَهُ الذَّمَّامُ الْمُحْفُوظُ ، وَالْحَرَمَةُ الْمَرْعِيَّةُ ، وَالْحَقُّ الْمَقْضِيُّ ، فَنَحْنُ قَائِلُونَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ ، وَيَا عِيدَ أَوْلِيَانِهِ . (22) به تحقیق این ماه در بین ما، در مرتبه و محلی ستوده زیست و با ما مصاحبت کرد؛ مصاحبتی پسندیده و نیکو و ما را به برترین بهره های جهانیان، سودمند کرد؛ سپس هنگام پایان یافتن وقتش و به سر رسیدن مدتش و کامل شدن روزهایش، از ما جدا شد . (23) پس ما او را وداع می کنیم؛ وداع کسی که هجرانش بر ما سخت و غم انگیز است و روگرداندنش ما را غم زده و دچار وحشت کرد. برای او برعهده ما، پیمانی محفوظ و حرمتی در خور رعایت و حقی واجب الاداء، لازم شد. بر این اساس می گوییم: سلام بر تو ای بزرگ ترین ماه خدا! و ای عید دوستانش!
نکته	در صحیفه سه دعا درباره ماه رمضان هست:

• دعای 44 دعا به وقت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان . • دعای 45 دعا به هنگام وداع با ماه مبارک رمضان . • دعای 46 دعا بعد از بازگشت از نماز عید فطر و جمعه . از این سه دعا، دعای 44 کاملاً درباره ماه رمضان است. و دعای 46 هم کاملاً درباره عید فطر است. ولی دعای 45 رویکردی ترکیبی دارد. بخش آغازین و بخش اعظم آن درباره ماه رمضان است ولی حداقل 4 فراز از 56 فراز آن درباره عید فطر است. فرازهای انتخابی در این متن از همین دعای 45 است . و دعای 46 به صورت یکپارچه در جدول زیر مورد تحلیل و آنالیز اجمالی قرار گرفته است یادآوری: از دیگر دعا‌های مرتبط با ماه رمضان و عید فطر، دو دعای دیگر می تواند باشد: • دعای 42 دعا به وقت ختم قرآن . • دعای 43 دعا هنگام نگاه کردن به هلال .	
نگاه اهل بیت به عید فطر چگونه است؟ اصولاً عید در فرهنگ دینی چه جایگاه و معنی ای دارد؟ در صحیفه سجادیه، عید فطر چه نسبتی با فرهنگ دعا و سیره دعامحوری حضرت دارد؟	پرسش
معرفی نگرش امام سجاده به عید فطر از منظر دو دعای مرتبط = و معرفی عید فطر به عنوان یکی از نقطه های تجلی ویژه رحمت الهی ، بدین جهت یکی از فرصت های طلایی برای دعا	هدف
در فرهنگ دینی و خاصه مکتب اهل بیت، هدف اصلی دین وصل سازی انسان ها با رحمت بیکران الهی (از معبر عبودیت و) دعا است. رحمتی که اگرچه پیوسته و همیشگی است ولی در برخی از زمان ها و یا مکان ها یا حالات انسانی، شدت پیدا کرده و ظهور و بروز بیشتر می یابد. پس نقش پیامبران و امامان معصوم، معرفی این فرصت های ناب در چرخه سالیانه معنوی برای بشریت است. تا با معرفت و طاعت و تضرع در این فرصت ها، زمینه بهره گیری از رحمت ویژه الیه شامل حال بندگان شود.	انگیزه سازی
عید فطر، نقطه پایانی ماه مبارک رمضان است. و ماه رمضان ماه سوم از فصل نیایش در سال معنوی (بر طبق فرهنگ اسلامی/اهلیتی) است. و در ماه رمضان شب قدر است. که شب تحویل سال معنوی و آسمانی است. و چون پس از تحویل سال، برای آمادگی ورود در سال جدید باید یک دوره تمهیدیه داشت، از شب قدر تا عید فطر یک هفته نورانی است جهت هماهنگ سازی آدمی با برنامه سال جدید در یک دوره فشرده و بازی زمانی «هفته». با این نگاه: عید فطر؛ عید پایان دوره سیر و سلوک ماه رمضان (که جامع سلوک اختتامیه سال قبل) بوده و ناظر به شب قدر، عید سلوک افتتاحیه سال جدید است.	متقاعد سازی و اقناع

بنابراین عید فطر از روزهای آسمانی بسیار خاص و معنوی و مقدس است. و طبیعتاً وقتی که روزی در فرهنگ دینی مقدس و معنوی شد، معنایش این است که بر معیار «قانون رحمت»، آن روز از روزهای خاص رحمت و خیرات و برکات است. و حال که عید فطر از روزهای بسیار خاص در زمینه تجلی رحمت الهی است، مهمترین عمل و مناسکی که با این روز هماهنگی می یابد، مناسک جاذب رحمت است: یعنی نماز و دعا و استغفار و	
در فرهنگ اسلامی / اهلبیتی «عید فطر» مانند عید نوروز یا عید های عرفی نیست که به بهانه عید و شادی، غفلت و آزادی از بندگی و آزادی در رفتار و ... صورت می گیرد. بلکه برعکس عید معنوی، روز شکار بیشتر فرصت های متعالی و مقدس و رحمانی است. بدین جهت است که در فرهنگ اسلامی؛ برای عید فطر ، نماز عید تعریف شده است. آن هم نمازی که به جماعت باشد (واجباً یا مستحباً) تا روز عید با همگرایی مومنان تطهیر یافته، و دعای جمعی آنها، زمینه ویژه و خاص و استثنائی برای دعا و کسب و جذب رحمت فراهم می گردد. بدین جهت است که در اعمال و آداب عید فطر، مناسک عبادی با تاکید بر مناسک عبادی جمعی و همراه با زکوة فطره قرار داده شده، تمامی اسباب جلب و جذب رحمت در عید بندگی فراهم شود . در عید بندگی ؛ بالاترین تلاش مؤمنانه برای نزول رحمت صورت می گیرد.	رفتار سازی
در دعای امام سجاده هماهنگ با تعریف عید فطر به عنوان عید بندگی یا عید بالاترینی فرصت جمعی برای بسترسازی بارش رحمت های الهی، در دعاها عید فطر؛ مسئله رحمت جایگاه ویژه می یابد. خصوصاً که این رحمت قرار است منبعی قوی و پرانرژی برای شروع سال جدید هم باشد.	جمع بندی
س: ماه رمضان بالاترین ماه عبادی است و شب قدر بالاترین شبانه روز سال است، پس رحمت الهی در این ماه و در آن شب در اوج خود بوده است!!! چرا دیگر در عید فطر باید نماز عید و دعای ویژه برای رحمت داشت؟؟؟ ج: رحمت الهی به وسعت وجود غیبی بیکران، بیکران است. پس هیچ حد و مرزی برای رحمت او نیست. و با دریافت عنایات ویژه در ماه رمضان نباید تصور شود که به نهایت مرتبه رحمت رسیده ایم و هنوز برای کسب رحمت بیشتر بی نهایت زمینه هست!! ضمن این که عید فطر روز اول آزادی شیطان از قیود غیبی است. و این یعنی پاتکی ضد معنوی بر شروع عادی سال جدید، پس برای جبران این پاتک، نماز جمعی عید در کنار زکات فطره، که	پاسخ به شبهه

تکمیل شده با دعا باشد، یک سپر قوی در برابر شیطان و یک بیمه نامه و ضمانت نامه برای حفظ رحمت کسب شده و یک تمرین برای اتمسار بخشی به جذب رحمت در روزهای عادی سال است.	
آیات (تفسیر قرآنی) آیه ۱۸۵ سوره بقره: «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر ولتکملوا العده و لتکبروا الله علی ماهداکم و لعلکم تشکرون» (گفته‌اند که مقصود از «ولتکبر الله»، تکبیرهایی است که در شب عید فطر وارد شده است که این تکبیرها بعد از چهار نماز مغرب و عشاء و صبح روز عید و نماز عید فطر گفته می‌شود. در عید فطر این گونه می‌گویند «الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر الله اکبر والله الحمد الحمد علی ماهدانا و له الشکر علی ما اولانا» - ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۹.) از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: معنای آیه «قد افلح من تزکی» (سوره اعلی) چیست؟ فرمود: این است که هر کس زکات فطره بدهد، رستگار می‌شود. پرسید معنای آیه «و ذکر اسم ربّه فصلی» چیست؟ فرمود این است که (برای نماز عید) به سوی جبانه برود و نماز بخواند و منظور از جبانه، صحرا است. (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۱۴۷۴)	
آیات جزء 30 ادعیه کمکی از صحیفه (تفسیر دعا به دعا) ﴿52﴾ اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُوبُ إِلَيْكَ فِي يَوْمٍ فَطَرْنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ عِيدًا وَ سُرُورًا ، وَ لِأَهْلِ مِلَّتِكَ مَجْمَعًا وَ مُحْتَشِدًا مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْنَاهُ ، أَوْ سُوءٍ أَسْلَفْنَاهُ ، أَوْ خَاطِرٍ شَرٍّ أَضْمَرْنَاهُ ، تَوْبَةً مِنْ لَا يَنْطَوِي عَلَى رُجُوعٍ إِلَى ذَنْبٍ ، وَ لَا يَعُودُ بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ ، تَوْبَةً نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشَّكِّ وَ اللَّارْتِيَابِ ، فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا ، وَ ارْضَ عَنَّا ، وَ ثَبِّتْنَا عَلَيْهَا . (دعای 45) (52) خدایا! در روز فطرمان که آن را برای مؤمنین عید و سرور و برای اهل آیینت روز اجتماع و گردهمایی، قرار دادی؛ به درگاهت از هر گناهی که مرتکب شدیم، یا کار زشتی که از پیش فرستادیم، یا اندیشه سویی که در باطنمان پنهان داشتیم، توبه می‌کنیم؛ توبه کسی که خیال بازگشت به گناه را ندارد و پس از آن به دامن خطایی بر نمی‌گردد؛ توبه‌ای خالص که از شک و تردید، پاک باشد؛ پس آن را از ما بپذیر و از ما خشنود باش و ما را بر آن توبه ثابت قدم دار .	
دعای غیر صحیفه حضرت باقر علیه السلام می‌افتند که فرمود: "مَا مِنْ يَوْمٍ عِيدٍ لِلْمُسْلِمِينَ أَضْحَىٰ وَلَا فِطْرٍ إِلَّا وَهُوَ يُجَدِّدُ اللَّهُ لَآلِ مُحَمَّدٍ (ع) فِيهِ حُزْنًا قَالَ قُلْتُ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ إِنَّهُمْ يَرَوْنَ حَقَّهُمْ فِي أَيْدِي غَيْرِهِمْ؛ (تهذيب الاحكام، ج 3، ص 289).	

هیچ عید فطر و قربان نیست که با آمدن آن غم و اندوه آل محمد(ص) تجدید شود راوی گفت: چرا در روز عید غمگین می شوند؟ امام فرمود: زیرا آنان حق خود را در دست دیگران می بینند و از این که افراد غیر شایسته بر جایگاه رهبری امت قرار دارد و امام راستین هنوز ظهور نکرده است که حکومت عادلانه و سایه پر از عدل و داد خود را بر مردم بگستراند، غمگین و ناراحتند. به همین جهت یکی از رایج ترین اعمال این روز که اولیاء خدا و عارفان واصل به آن اهتمام خاص دارند زمزمه دعای ندبه در روز فطر است. سیدبن طاووس در ضمن اعمال روز عید از امام باقر علیه السلام نقل می کند: هنگامی که از منزل خارج شده و به سوی نماز عید می روی دعای "اللّٰهُمَّ مِنْ تَهِيّاً" را می خوانی و هنگامی که به نام مبارک حضرت صاحب الزمان(ع) رسیدی با آرزوی تحقق وعده الهی و استقرار حکومت عدل مهدوی علیه السلام می گویی: "اللّٰهُمَّ افْتَحْ لَنَا فَتْحاً يَسِيراً وَ انْصِرْهُ نَصْراً عَزِيزاً... اللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغِبُ الْيَوْمَ فِيْ دَوْلَةٍ كَرِيْمَةٍ تَعَزَّى بِهَا الْاِسْلَامُ وَ اهْلُهُ وَ تَذَلُّ بِهَا النِّفَاقُ وَ اهْلُهُ ... (اقبال الاعمال، ج 1، ص 476). خداوندا برای ما فتح آسان عنایت فرما و آن حضرت را با نصرتی عزتبخش یاری نما . پروردگارا! ما خواهان ایجاد دولت کریمه ای هستیم که با آن به اسلام و مسلمانان عزت بخشیده و جبهه نفاق و اهلش را به خاک مذلت بنشانی... .	
امام علی(ع) نقل شده، عید فطر عید کسی است که خداوند روزه او را پذیرفته و عبادتش را قبول کرده است. (حکمت 428 نهج) امام رضا(ع)، گفته شده که روز فطر عید قرار داده شده تا مسلمانان در آن روز گرد هم آیند و خداوند را برای نعمت‌هایی که به آنان داده ستایش کنند، و از همین رو <u>تکبیر</u> در <u>نماز آن</u> بیش از روزهای دیگر قرار داده شده است. (من لایحضر ج 1 ص 522) در روایتی که <u>امام کاظم(ع)</u> از <u>امام علی(ع)</u> نقل کرده، آمده است: مرا شادمان می‌سازد هر کسی که در طول سال خودش را در چهار شب (برای عبادت) فارغ سازد: شب عید فطر، شب <u>عید قربان</u>، شب <u>نیمه شعبان</u> و شب <u>اول ماه رجب</u>. (قرب الاسناد ص 54) از <u>امام باقر(ع)</u> نقل شده که <u>علی بن حسین(ع)</u> شب عید فطر را در <u>مسجد</u> می‌ماند و تا صبح نماز می‌خواند و شب‌زنده‌داری می‌کرد و می‌فرمود: «این شب کمتر از <u>شب قدر</u> نیست (اقبال ج 1 ص 456)	احادیث

ویژگی های عید فطر در خطبه حضرت علی علیه السلام:

- روزی که نیکوکاران ثواب می برند؛
- روزی که گناه کاران زیان می بینند؛
- شبیه ترین روز به روز قیامت است؛
- روز غفران و بخشش؛
- روز عبرت گرفتن است؛
- وقتی از خانه هایتان برای خواندن نماز عید خارج می شوید، به یاد آورید زمانی را که از قبر خود خارج خواهید شد و به سوی خدای خود خواهید رفت.
- وقتی در جایگاه نماز خود می ایستید، به یاد آورید زمانی را که در محضر عدل الهی می ایستید و از شما حساب رسی می کنند.
- وقتی از نماز به خانه هایتان برمی گردید، به یاد آورید زمانی را که به خانه های خود در بهشت خواهید رفت. (میزان الحکمه، ج 9، صص 4201)

شیخ صدوق خطبه، امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه عید فطر :

«انّ هذا اليوم جعله الله لكم عيداً و جعلكم له اهلاً فاذكروا الله يذكركم و ادعوه يستجب لكم»
 امروز را خداوند متعال برای شما عید قرار داده است و به شما شایستگی آن را عنایت فرموده پس شما هم به شکرانه آن، خدا را یاد کنید تا شما را یاد کند و او را بخوانید تا شما را اجابت کند

«و أدّوا فِطرتَكم، فإنّها سنّة نبيّكم و فريضة من ربّكم فليؤدّها كلّ امرئ منكم عنه و عن عياله كلّهم ذكّريهم و أنثاهم، صغيرهم و كبيرهم و حرّهم و مملوكهم عن كلّ إنسانٍ منهم صاعاً من برٍّ أو صاعاً من تمرٍ أو صاعاً من شعيرٍ»

زکات فطره خود را _ که سنت پیامبرتان و فريضه واجبی از سوی پروردگارتان می باشد _ هر یک از شما از سوی خود و افراد تحت تکفل خود از زن و مرد، کوچک و بزرگ، آزاد و مملوک یک صاع گندم یا خرما یا جو پرداخت نمایید.

امام صادق علیه السلام می فرماید : پیامبر فرمود: هنگامی که روز اول شوال شد، منادی ندا می دهد که به سوی جوایزتان بشتابید که این روز، روز پاداش است. (وسائل الشیعه، ج 3، ص 140). + امام رضا علیه السلام فرمود : روز فطر از این رو عید قرار داده شد تا روز گردهمایی مسلمانان باشد و در این روز، گردهم آیند و برای خدا به صحرا در آیند و خداوند را بر منّتی که بر آنها نهاده است ستایش و به بزرگی یاد کنند... (من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 330) + حضرت امام مجتبی علیه السلام هنگامی که مشاهده کرد عده ای از مردم در روز عید فطر مشغول لُهو و لعب و خنده هستند خطاب به یارانش فرمود: خداوند متعال ماه رمضان را معیار آزمایش مردم قرار داده است که در آن مردم برای کسب مقامات معنوی و بهشتی مسابقه می دهند عده ای در این مسابقه برنده شده و برخی دیگر از کسب این مقامات باز می مانند. کمال شگفتی است از کسی که بی خبر از نتیجه این مسابقه به خندیدن و خوشگذرانی مشغول است به خدا سوگند! اگر پرده ها کنار رود نیکوکاران به نتایج نیکو رفتاری خود مشغول بوده و بدکاران گرفتار اعمال بد خود هستند. ()	
سیره نبوی در عید فطر: از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: اگر در روز عید فطر برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلّم) عطر می آوردند اول به زنان خود می داد. (من لا یحضر ج 2 ص 174) + سیره رمضانیه و عید فطری امام سجّاد ع: امام صادق علیه السلام فرمود: شیوه حضرت علی بن الحسین علیه السلام در ماه رمضان چنان بود که هر گاه غلامان یا کنیزان آن حضرت خطایی را مرتکب می شدند آنان را تنبیه نمی کرد. آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت کرده و تخلّفات هر کس را با نام و موضوع مشخص می نمود. در آخر ماه همه غلامان و کنیزان را جمع کرده و در میان آنان می ایستاد. آنگاه از روی نوشته تمام کارهای	از سیره اهلبیت

خلاف آنان را که در طول ماه رمضان مرتکب شده بودند برایشان گوشزد می کرد و به تک تک آنان می فرمود: فلانی تو در فلان روز و فلان ساعت تخلفی کردی و من ترا تنبیه نکردم! آیا به یاد می آوری؟ می گفت: بلی ای پسر رسول خدا! و تا آخرین نفر این مطالب را متذکر می شد و آنان به اشتباهات و خطاهای خود اعتراف می کردند. آنگاه به آنان می فرمود:

"ارفعوا اصواتکم و قولوا یا علی بن الحسین! ان ربک قد احصى عليك کَلَمًا عملت کما احصیت علینا کَلَمًا قد عملنا و لدیه کتابٌ ینطقُ علیک بالحقّ لا یغادر صغیرهً ولا کبیرهً ممّا اتیت الا احصاها و تجد کَلَمًا عملت لدیه حاضرًا...؛

با صدای بلند بگوئید: ای علی بن الحسین! پروردگارت تمام اعمال و رفتار تو را نوشته است چنانکه تو اعمال ما را نوشته ای نزد خداوند نامه اعمالی هست که با تو به حق سخن می گوید و هیچ عمل ریز و درشتی را فرو نمی گذارد و هر چه انجام داده ای به حساب آورده و تمام آنچه را که انجام داده ای نزد او حاضر و آماده خواهی یافت، چنانکه ما اعمال خود را در نزد تو آماده و ثبت شده دیدیم. پس ما را ببخش هم چنانکه دوست داری خدا تو را ببخشد. ای علی بن الحسین! به یاد آر آن حقارت و ذلّتی را که فردای قیامت در پیشگاه خدای حکیم و عادل خواهی داشت. آن پروردگار عادل و حکیمی که ذره ای و کمتر از ذره ای به کسی ظلم و ستم روا نمی دارد و اعمال بندگان را هم چنانکه انجام داده اند به آنان عرضه خواهد کرد و حساب و گواهی خدا کافی است...

ببخش و عفو کن تا پادشاه روز قیامت از تو عفو کرده و درگذرد چنانکه خودش در قرآن می فرماید:

"ولیعفوا و لیصفحوا الا تحبّون ان یغفر الله لکم والله غفورٌ رحیمٌ"

باید ببخشند و درگذرند. آیا دوست ندارید خداوند شما را بیامرزد؟ او خداوند آمرزنده و مهربان است.

امام سجاد علیه السلام این کلمات را برای خویش و غلامان و کنیزانش تلقین میفرمود.

آنان با هم تکرار می کردند و خود امام سجاد که در میان آنان ایستاده بود و می گریست و با لحنی ملتمسانه می گفت:

"رَبِّ اَنْك اَمَرْتَنَا اَنْ نَعْفُو عَنْ ظُلْمِنَا فَقَدْ ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا فَحَنِّ قَدْ عَفَوْنَا عَنْ ظُلْمِنَا كَمَا اَمَرْتَ فَاعْفُ عَنَّا فَانْكَ اَوَّلِيْ بَذَلِكْ مَنَّا وَ مِنْ الْمَأْمُوْرِيْنَ... ؛

پروردگارا، تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم و ما به راستی بر خود ستم کرده ایم. همان طور که فرمودی، ما از کسانی که ستم کرده اند درگذشتیم، تو هم از ما درگذر که تو در عفو کردن از ما و از مأموران برتری.

تو به ما فرمودی سائلی را از درگاه خود محروم نکنیم و هم اکنون ما سائلان و گدایان در آستانه در خانه ات زانو زده و احسان و عطای تو را می طلبیم، بر ما منت بگذار و محروممان نگردان، که تو در این کار شایسته تر از ما و از مأموران هستی. خدایا! من اکرام کردم تو هم به من اکرام کن و با اهل نعمت و مغفرت محشور نما ای صاحب احسان و کرامت.

پس از این برنامه عرفانی حضرت سجاد علیه السلام خطاب به غلامان و کنیزان خویش می فرمود: من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاری های مرا که فرمانروای بدی برای شما و بنده فرومایه ای برای فرمانروای بخشاینده عادل و نیکوکار بودم، بخشیدید؟! همگی یک صدا می گفتند: با این که ما از تو جز خوبی ندیده ایم ترا بخشیدیم. آنگاه به آنان می فرمود: بگوئید خداوند!! از علی بن الحسین درگذر! همان طور که او از ما در گذشت، او را از آتش جهنم آزاد کن همان طور که او ما را از بردگی آزاد کرد. آنان دعا می کردند و امام سجاد علیه السلام هم آمین می گفت. و در پایان می فرمود: بروید، من از شما در گذشتم و آزادتان کردم به امید این که خدا نیز از من درگذرد و آزادم کند.

امام سجاد علیه السلام در روز عید فطر چندان به خدمتکاران خود جایزه و هدایا می بخشید که از دیگران بی نیاز می شدند. هر سال در شب آخر ماه مبارک رمضان در هنگام افطار حدود بیست بنده آزاد می کرد و می گفت:

"اِنَّ لِلّٰهِ تَعَالٰی فِیْ كُلِّ لَیْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْاِفْطَارِ سَبْعِیْنِ اَلْفَ عَتِیْقٍ مِّنَ النَّارِ کُلُّاْ قَدْ اسْتَوْجِبُوا النَّارَ؛

خداوند متعال در هر شب ماه مبارک رمضان هفتاد هزار کس را از آتش جهنم آزاد می کند که همگی مستحق عذاب بوده اند آن حضرت هیچ بنده ای را بیش از یک سال به بندگی نمی گرفت. هر گاه کسی را در اول سال و یا در وسط آن مالک می شد در شب عید فطر آزاد می کرد.

این عمل روش هر ساله او بود. بندگان سیاه را که هیچگونه نیازی به آنان نداشت می خرید و در عرفات بعد از مراسم عرفه همه را آزاد ساخته و هدایای قابل توجهی را به آنان عطاء می کرد.	
حکایات	نماز عید فطر امام رضاع در اولین سال حضور در مرو بر اساس سنت و سیره نبوی و بازتاب آن بر مردم شهر و دستور تعطیلی آن از میانه راه توسط مأمون

تحلیل و آنالیز دعای عید فطر امام سجاده ع در صحیفه سجاده:

این دعا در قالب 25 فراز و بند است که با دقت در مفاهیم و معانی آن مشخص می شود که موضوع و مسئله آن هماهنگ با موضوع کلی انتخاب شده برای ماه مبارک رمضان « مسئله رحمت الهی » است. و این که چگونه در عید فطر از محرومان از رحمت نبوده و بلکه در بلندای بهرمندی از این رحمت واسعه و خاصه در روز عید بندگی باشیم:

دعای ش 46 صحیفه			
دعای برای : عید فطر			
ش	دعا	ترجمه	موضوع
1	يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَا يَرْحَمُهُ الْعِبَادُ	ای آنکه رحم می کند به کسی که بندگان به او رحم نمی کنند!	11 توصیف از صفات رحمت و شفقت خدا برای بنده اش: (یرحم + یقبل + لایحقر + لایخیب + لایجب + یجتبی + یشکر + یدنو + یدعو + لایغیر + یثمر)
2	وَا يَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ	ای آنکه می پذیرد کسی را که کشورها او را نمی پذیرند!	
3	وَا يَا مَنْ لَا يَحْتَقِرُ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ	ای آنکه نیازمندان درگاهش را، حقیر و کوچک نمی شمرد!	
4	وَا يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ الْمُلْحِنَ عَلَيْهِ	ای آنکه اصرارکنندگان به پیشگاهش را ناامید نمی کند!	
5	وَا يَا مَنْ لَا يَجِبُهُ بِالرَّدِّ أَهْلُ الدَّالَةِ عَلَيْهِ	ای آنکه دست رد به سینه کسانی که عمل خود را در برابر حضرتش بزرگ می شمارند نمی زند!	
6	وَا يَا مَنْ يَجْتَبِي صَغِيرَ مَا يُتَحَفُّ بِهِ ، وَ يَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ.	ای آنکه ارمغان و هدیه کوچک را می پذیرد و اندک کاری که برایش انجام می گیرد، سپاس می نهد!	
7	وَا يَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَ يُجَازِي بِالْجَلِيلِ	و ای آنکه عمل کم را قدرشناسی می کند و پاداش بزرگ می دهد!	
8	وَا يَا مَنْ يَدْنُو إِلَى مَنْ دَنَا مِنْهُ.	و ای آنکه هر که به او نزدیک شود، به او نزدیک می شود!	
9	وَا يَا مَنْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ.	و ای آنکه هر که را از او روی گردانده، به سوی خود می خواند!	

10	وَيَا مَنْ لَا يُغَيِّرُ النِّعْمَةَ ، وَلَا يُبَادِرُ بِالنَّقِمَةِ.	و ای آنکه نعمت را تغییر نمی‌دهد و به انتقام شتاب نمی‌ورزد!
11	وَيَا مَنْ يُثْمِرُ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ يُنْمِيَهَا ، وَ يَتَجَاوَزَ عَنِ السَّيِّئَةِ حَتَّىٰ يُعْفِيَهَا.	و ای آنکه نیکی را به بار می‌نشانند تا آن را بیافزاید و از بدی می‌گذرد تا آن را محو و نابود کند!
12	انْصَرَفَتِ الْأُمَالُ دُونَ مَدَىٰ كَرَمِكَ بِالْحَاجَاتِ ، وَ امْتَلَأَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ أَوْعِيَةُ الطَّلَبَاتِ ، وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِكَ الصِّفَاتِ ، فَلَكَ الْعُلُوُّ الْأَعْلَىٰ فَوْقَ كُلِّ عَالٍ ، وَ الْجَلَالُ الْأَمَجْدُ فَوْقَ كُلِّ جَلَالٍ.	آرزوها پیش از رسیدن به قلمرو و حوزه کرم، حاجت روا برگشتند و ظرف‌های طلب به فیض بخشش لبریز شدند و اوصاف پیش از رسیدن به وصف، از هم گسیختند. برتری در بالاترین مرتبه‌اش که ورای هر برتری است مخصوص توست و بزرگی و عظمت که فراتر از هر بزرگی و عظمت است، ویژه توست.
13	كُلُّ جَلِيلٍ عِنْدَكَ صَغِيرٌ ، وَ كُلُّ شَرِيفٍ فِي جَنْبِ شَرَفِكَ حَقِيرٌ ، خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَىٰ غَيْرِكَ ، وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ ، وَ ضَاعَ الْمُلَمُّونَ إِلَّا بِكَ ، وَ أَجْدَبَ الْمُنتَجِعُونَ إِلَّا مِنْ اِنْتَجَعَ فَضْلَكَ	هر بزرگی نزد تو کوچک و هر شریفی در کنار شرف حقیر است. آنان که به سوی غیر تو کوچ کردند، ناامید شدند؛ و آنان که جز تو را خواستند، به خسارت نشستند؛ و آنان که به درگاه غیر تو فرود آمدند، تباہ شدند؛ و نعمت خواهان جز آنان که از فضل و احسان تو نعمت خواستند، دچار تهی‌دستی و قحطی شدند.
14	بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ ، وَ جُودُكَ مَبَاحٌ لِّلْسَائِلِينَ ، وَ إِغَاثَتُكَ قَرِيبَهُ مِنْ الْمُسْتَغِيثِينَ.	درب رحمتت به روی علاقه‌مندان باز و جود و سخايت برای گدایان رایگان و فریاد رسی‌ات به فریاد خواهان نزدیک است.
15	لَا يَخِيبُ مِنْكَ الْأُمُلُونُ ، وَ لَا يَبْأَسُ مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ ، وَ لَا يَشْقَى بِنَقْمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ.	آرزومندان از تو نومید نمی‌شوند و درخواست‌کنندگان از عطایت مأیوس نمی‌گردند و آمرزش خواهان به کيفرت، بدبخت نمی‌شوند.
16	رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِّمَنْ عَصَاكَ ، وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِّمَنْ نَاوَاكَ ، عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ ، وَ سُنَّتُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ حَتَّىٰ لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَنَاثُكَ عَنِ الرُّجُوعِ ، وَ صَدَّاهُمْ إِمِهَالُكَ عَنِ النَّزُوعِ.	سفره روزی‌ات برای گنهکاران پهن است و بردباری‌ات به جانب کسی که با تو دشمنی ورزید، روی آورنده است. عادتت احسان به بدکاران و راه و روش مهلت به متجاوزان است تا جایی که مدارایت، اینان را از بازگشت و توبه به درگاهت فریب داده و غافل ساخته؛ و مهلت دادنت، ایشان را از خودداری از گناه باز داشته.
17	وَ إِنَّمَا تَأْتَيْتَ بِهِمْ لِيَفِيؤُوا إِلَىٰ أَمْرِكَ ، وَ أَمَهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوَامِ مُلْكِكَ ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَمَتْ لَهُ بِهَا ، وَ مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَذَلَتْهُ لَهَا.	جز این نیست که آنان را فرصت دادی، به خاطر این‌که به فرمانت بازگردند؛ و برای اطمینان به دوام فرمانروایی‌ات مهلتشان دادی؛ پس آن‌که اهل سعادت بود، فرجام کارش را به سعادت ختم کردی؛ و

توصیف حق تعالی:
بالاترین مرتبه فیض و
رحمت

جمله معترضه:
با این همه محبت و
رحمت، هر مسیر
دیگری، خسارت است!!!

تأکید بر رحمت واسعه
الهی

شمول رحمت واسعه
حتی بر دورافتادگان

**حکمت این رحمت به
دورافتادگان:**
فرصت بازگشت

	آن که اهل بدبختی بود، به بدبختی‌اش وا گذاشتی.	
18	كُلُّهُمْ صَائِرُونَ ، إِلَىٰ حُكْمِكَ ، وَ أُمُورُهُمْ آئِلَةٌ إِلَىٰ أَمْرِكَ ، لَمْ يَهِنُ عَلَىٰ طَوْلِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ ، وَ لَمْ يَدْحَضْ لِتَرْكِ مَعَاجِلَتِهِمْ بَرْهَانُكَ .	تاکید بر: حکمت مند بودن نظام رحمت
19	حُجَّتُكَ قَائِمَةٌ لَا تُدْحَضُ ، وَ سُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ ، فَالْوَيْلُ الدَّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنْكَ ، وَ الْخَبِيئَةُ الْخَاذِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ ، وَ الشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنْ اغْتَرَّ بِكَ	نتیجه طبیعی: بدبخت کسی است که از رحمت تو ناامید باشد
20	مَا أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ فِي عَذَابِكَ ، وَ مَا أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ فِي عِقَابِكَ ، وَ مَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ ، وَ مَا أَقْنَطَهُ مِنْ سَهْوَلَةِ الْإِلْخَاجِ عَدُوًّا مِنْ قَضَائِكَ لَا تَجُورُ فِيهِ ، وَ إِنْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ لَا تَحِيفُ عَلَيْهِ .	نکته جالب: دورافتادگی از سویی بنده است پس تو برای عذابش تعلل کرده و بازی در می‌آوری تا شاید بازگردد
21	فَقَدْ ظَاهَرَتْ الْحُجَجُ ، وَ أَبْلَيْتِ الْأَعْدَارُ ، وَ قَدْ تَقَدَّمَتْ بِالْوَعِيدِ ، وَ تَلَطَّفْتَ فِي التَّرْغِيبِ ، وَ ضَرَبْتَ الْأَمْثَالَ ، وَ أَطْلَتِ الْإِمْهَالَ ، وَ أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطِيعٌ لِلْمَعَاجِلَةِ ، وَ تَأْنَيْتَ وَ أَنْتَ مَلِيٌّ بِالْمُبَادَرَةِ	نظام رحمت برای دورافتادگان: تاخیر عذاب و ارسال پیاپی نشانه‌ها
22	لَمْ تَكُنْ أَنْتَكَ عَجْزًا ، وَ لَا إِمْهَالَكَ وَهْنًا ، وَ لَا إِمْسَاكَكَ غَفْلَةً ، وَ لَا انْتِظَارُكَ مُدَارَاةً ، بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتُكَ أَبْلَغُ ، وَ كَرَمُكَ أَكْمَلُ ، وَ إِحْسَانُكَ أَوْفَى ، وَ نِعْمَتُكَ أَثَمُّ ، كُلُّ ذَلِكَ كَانَ وَ لَمْ تَزَلْ ، وَ هُوَ كَائِنٌ وَ لَا تَزَالُ .	قانون رحمت دورافتادگان: بستن کامل تمامی راه‌های حجت و بهانه

23	حَجَّتْكَ أَجَلٌ مِّنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا ، وَ مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ ، وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهَا ، وَ إِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقْلِهِ	حَجَّت برتر از آن است که بتوان همه آن را به دایره وصف کشید و بزرگیات بالاتر از آن است که بتوان به عمق و ژرفای آن رسید و نعمت بیش از آن است که به شماره درآید و احسانت افزون تر از آن است که کمترینش سپاس شود.	تعریف خدا در این نظامواره: نعمت بیکران و مهلت بی اندازه
24	وَ قَدْ قَصَرَ بِيَ السُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ ، وَ فَهَّهَنِي الْإِمْسَاكُ عَنْ تَمْجِيدِكَ ، وَ قُصَارَى الْإِقْرَارِ بِالْحُسُورِ ، لَا رَغْبَةَ يَا إِلَهِي بَلْ عَجْزًا.	اکنون، نبودن زبان سخن، مرا از سپاسگزاریات ناتوان ساخته؛ و خودداری از بزرگداشتن، مرا درمانده و ناتوان کرده؛ و نهایت قدرتم این است که به درماندگی از سپاست اقرار کنم. ای خدای من! این درماندگی از سپاس، نه از بی رغبتی، بلکه از ناتوانی من است.	در نتیجه: شرمنده از ناتوانی در سپاسگذاری
25	فَهَا أَنَا ذَا أَوْمَكِ بِالْوَفَادَةِ ، وَ أَسْأَلُكَ حُسْنَ الرَّفَادَةِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اسْمَعْ نَجْوَايَ ، وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي ، وَ لَا تَخْتِمْ يَوْمِي بِخَيْبَتِي ، وَ لَا تَجْهِنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي ، وَ أَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي ، وَ تَرِيدُ مُنْقَلَبِي ، إِنَّكَ غَيْرُ ضَائِقٍ بِمَا تُرِيدُ ، وَ لَا عَاجِزٌ عَمَّا تُسْأَلُ ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.	اینک منم که آمدن به درگاه تو را قصد می‌کنم و از حضرتت توقع پذیرایی نیک دارم؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و رازم را بشنو و دعایم را مستجاب کن و روزم را به نومیدی ختم مکن و نسبت به گدایی‌ام، دست رد به سینه‌ام نزن؛ و رفتم را از نزدت و بازگشتم را به سویت، گرامی دار؛ زیرا هر چه را اراده کنی، از انجامش دچار سختی نمی‌شوی؛ و در برآوردن آنچه از تو خواسته شود، ناتوان نمی‌باشی؛ و تو بر هر کاری توانایی و حول و قوه‌ای نیست، جز به خدای بلندمرتبه بزرگ	عیدی من: به حق صلوات، دعایم را جابت کن (شمول رحمت ویژه)

فرایند دعای عید فطر به صورت فشرده:

تحلیل دعای عید فطر صحیفه سجادیه از منظر = رحمت الهی										
1	2	3	4	5				6	7	8
توصیف جامع از رحمت الهی	اعتراف به بالاترین مرتبه رحمت	هر مسیر دیگر خسارت است	تاکید بر رحمت واسعه الهی	تحلیل مسئله دور افتادگان رحمت				ضرورت تغییر نگرش درباره خدا	شرمندگی از سپاسگذاری	عیدی من: رحمت خاصه در قالب اجابت
				وسعت رحمت برای آنان	با هدف فرصت دهی	چون رحمت حکیمانه است	پس نومیدی نهایت بدبختی است	تعطیل بسیار مقابل دورافتادگان	ارسال پیوسته نشانه ها	اتمام حجت کامل

بنابراین دعای عید فطر، آخرین زرنگی مومن برای استفاده از دوران رحمت ویژه الهی در فصل نیایش است. و در این دعا، با واهمه و خوفی که نسبت به «دورافتادگی از رحمت» دارد، تلاش می کند که در «دائرة نظامات رحمت واسعه» حتما خود را جزو نجات یافتگان با رحمت قرار دهد.

منابع:

کتاب ها:

قرآن

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

الدلیل الی موضوعات الصحیفه

شرح های متعدد صحیفه (مکارم شیرازی، انصاریان، سیدعلیخان + ...)

معجم موضوعی صحیفه (خانم احمدی)

نرم افزارها یا سایت ها:

سامانه جامع منیب

برنامه اندرویدی صحیفه

نرم افزارهای کامپیوتری نور (نورالجنان + سیره معصومان + عرفان + ...).